



Research Article

An Investigation on the Impacts of Corporate Governance Mechanisms and Corporate Social Responsibility on CEO Behavioral Disorders

Omid Mohammadi: Ph.D. student in accounting, department of accounting, faculty of humanities, in Islamic Azad University Khomein Branch, Khomein, Iran.
omidauditor64@gmail.com

Ebrahim Givaki: Assistant professor, department of accounting, faculty of humanities in Islamic Azad University Khomein Branch, Khomein, Iran.
egivaki_1352@yahoo.com

Mohammadtaghi Kabiri*: Assistant professor, department of accounting, faculty of economics in Lorestan University, Iran.
kabiri.m@lu.ac.ir

Azar Moslemi: Assistant professor, department of accounting, faculty of humanities in Islamic Azad University Khomein Branch, Khomein, Iran
azar.moslemi.kh@gmail.com

Abstract

Corporate governance system is considered as the supervision and control process to guarantee performance of company's management consistent with the shareholder's interest. Corporate social responsibility is perceived as a community commitment towards most people in the society. However, their future paths and directions will be determined by the decisions made by managers at the core system of companies. This research was performed with the aim of studying the effects of perceptual and behavioral disorders on the mechanisms related to corporate governance system, as well as social responsibility, based on the criteria of overconfidence, optimism, and shortsightedness. The sample in this research included 110 companies listed in Tehran Stock Exchange (TSE) for the period of 2012-2019, which were studied via EViews 10 software package. The research results showed that the overconfidence of managing director had a significant negative effect on the independent audit; optimism while shortsightedness of managing director had no significant impacts on the independent audit; overconfidence and shortsightedness of managing director had no significant effect on the level of institutional ownership; optimism of managing director had a significant negative impact on the level of institutional ownership; overconfidence of managing director had a significant positive effect on the ownership concentration; optimism of managing director had a significant negative impact on the ownership concentration; shortsightedness of managing director had no significant effect on the ownership concentration; overconfidence and shortsightedness of managing director had significant negative impacts on social responsibility; and optimism of managing director had no significant effect on the social responsibility.

Keywords: corporate governance system, social responsibility, optimism, overconfidence, myopia

* Corresponding author



بررسی تأثیرپذیری مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت از اختلالات رفتاری مدیرعامل

امید محمدی: دانشجوی دکترای حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد

اسلامی، خمین، ایران

omidauditor64@gmail.com

ابراهیم گیوکی: استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین،

ایران.

egivaki_1352@yahoo.com

محمدتقی کبیری^۱: استادیار گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه لرستان.

kabiri.m@lu.ac.ir

آذر مسلمی: استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

azar.moslemi.kh@gmail.com

چکیده

نظام راهبری شرکتی عبارت است از فرایند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیریت شرکت مطابق با منافع سهامداران. همچنین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت به‌عنوان تعهد یک سازمان نسبت به قالب جامعه درک می‌شود؛ اما مسیر و جهت آتی آنها را تصمیم‌هایی تعیین می‌کنند که مدیران در شرکت‌ها می‌گیرند. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر اختلالات ادراکی و رفتاری مدیرعامل بر مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی و مسئولیت اجتماعی در قالب سه معیار فراعتمادی، خوش‌بینی و کوتاه‌بینی است. نمونه بحث‌شده در این پژوهش شامل ۱۱۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۱ است که با بهره‌گیری از نرم‌افزار Eviewse10 بررسی شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهند فراعتمادی مدیرعامل بر کیفیت حسابرسی مستقل تأثیر منفی و معناداری دارد. خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیرعامل بر کیفیت حسابرسی مستقل تأثیر معناداری ندارد. همچنین، فراعتمادی و کوتاه‌بینی مدیرعامل بر میزان مالکیت نهادی تأثیر معناداری ندارد. خوش‌بینی مدیرعامل بر میزان مالکیت نهادی تأثیر منفی و معناداری دارد. فراعتمادی مدیرعامل بر تمرکز مالکیت، تأثیر مثبت و معنادار و خوش‌بینی مدیرعامل بر تمرکز مالکیت تأثیر منفی و معنادار دارد و کوتاه‌بینی مدیرعامل بر تمرکز مالکیت تأثیر معناداری ندارد. فراعتمادی و کوتاه‌بینی مدیرعامل بر مسئولیت اجتماعی تأثیر منفی و معنادار و خوش‌بینی مدیرعامل بر مسئولیت اجتماعی تأثیر معناداری ندارد.

واژه‌های کلیدی: نظام راهبری شرکتی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، خوش‌بینی، فراعتمادی، کوتاه‌بینی



مقدمه

تئوری‌های رفتاری نقش بسیار مهمی در رسیدن شرکت‌ها به اهدافشان دارند و موجب می‌شوند حوزه تصمیم‌گیری مدیران، به‌عنوان یکی از رکن‌های متعادل‌کننده عملکرد شرکت‌ها، به سمت رعایت اخلاق حرفه‌ای به‌خصوص در زمانی هدایت شود که نقش او به‌عنوان یک نماینده در چارچوب‌های تئوری نمایندگی تعریف می‌شود [۳].

مبانی تئوریک نشان می‌دهد نگرش و ادراک مدیران بر نحوه تصمیم‌گیری آنها تأثیرگذار است [۱۲]. همه مدیران، به حکم آنکه مدیرند، به یک روش عمل نمی‌کنند و مانند سایر افراد جامعه تفاوت‌های فردی گوناگونی دارند و از دانش، ادراک و نظام ارزشی متفاوتی برخوردارند. این تفاوت‌ها به ظاهر ممکن است جزئی باشند، اما هنگامی که از فرایندهای واسطه‌شناختی افراد عبور می‌کنند، به تفاوت‌های بسیار بزرگ و نتایج رفتاری کاملاً متفاوت می‌انجامند. چنین تفاوت‌هایی عمدتاً از تفاوت‌های ناشی از نگرش هر یک از افراد سرچشمه می‌گیرد که به‌صورت اختلالات رفتاری خود را نشان می‌دهند [۱۶]. تحقیقات تجربی در چارچوب ادبیات مالی رفتاری نیز نشان می‌دهد عوامل احساسی و خطای شناختی مانند سوگیری‌های رفتاری نقش محوری در فرایند تصمیم‌گیری دارند [۲].

ادراک مدیرعامل زمانی به افزایش ارزش شرکت منجر می‌شود که نظام راهبری شرکت نیز قوی باشد. نظام راهبری شرکتی یکی از سازوکارهای مناسبی است که مشکلات نمایندگی بین مدیران و سهامداران را بهبود می‌بخشد. در نگاه کلی نظام راهبری شرکتی، شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی می‌شود که سمت‌وسوی حرکت و

عملکرد شرکت‌ها را تعیین می‌کند. عناصری که در این صحنه حضور دارند عبارت‌اند از سهامداران و ساختار مالکیتشان، اعضای هیئت‌مدیره و ترکیب‌هایشان و مدیریت شرکت که توسط مدیرعامل هدایت می‌شود [۵]. تأثیر تصمیم‌های مدیرعامل بر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی اهمیت فراوانی دارد. مدیران در اجرای برنامه‌های خود از توان انتخاب راهبردهای مختلف مدیریتی برخوردارند که هر یک از اینها به جریان مختلفی منجر خواهند شد و در نهایت کارایی مدیریت، مستلزم انتخاب بهترین راهبرد است که به بالاترین ارزش مورد انتظار بیانجامد [۳].

یکی از اهداف این پژوهش ارائه ابعاد رفتاری و روان‌شناختی مدیرعامل و ارتباط آنها با سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت است. در واقع، نظریه رفتاری بر اهمیت مشخصات روان‌شناختی، برای درک بهتر تصمیم‌های راهبردی شرکت تأکید می‌کند [۳۶]. الشمری و همکاران [۳۰] رابطه مثبت بین خودشیفتگی مدیرعامل و مسئولیت اجتماعی شرکت را نشان دادند و دریافتند با اینکه خودشیفتگی مدیران با CSR بیرون‌محور رابطه مثبتی دارد، رابطه بین خودشیفتگی مدیران و CSR درون‌محور منفی است، اما چندان چشمگیر نیست. بیشتر عوامل سازمانی بر التزام مسئولیت‌پذیری اجتماعی اثر می‌گذارند و نقش مدیرعامل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نکته جالب اینکه این نظریه تصریح می‌کند مدیران نقش مهمی در روند تصمیم‌گیری دارند و از این‌رو ویژگی‌های آنها بر CSR نیز اثر می‌گذارد [۴۵]. در متون پژوهشی اخیر مشخص شده است شخصیت مدیریتی تأثیر زیادی بر عملکرد RSE دارد و این مدیران را به محیط اجتماعی بیشتر متعهد می‌کند [۴۰].

پیش‌بینی افراد از احتمال وقوع پدیده‌ها یا خیلی افراطی یا خیلی تفریطی است و همچنین زمانی که قابلیت پیش‌بینی کم است یا شواهد و مدارک مبهم‌اند، مدیران و متخصصان بیشتر از افراد عادی در معرض خوش‌بینی قرار می‌گیرند؛ به طوری که خوش‌بینی باعث می‌شود مدیران به دنبال راههایی باشند که پیامدهای تصمیم‌گیری‌های خود را توجیه کنند و به این ترتیب بتوانند احترام دیگران را به خودشان جلب کنند [۵۹]. دشماخ و همکاران [۴۲] معتقدند مدیران خوش‌بین در مقایسه با سایر مدیران، تمایل کمتری به پرداخت سود تقسیمی دارند.

هواندگ و همکاران [۴۸] رابطه هزینه نمایندگی، خوش‌بینی بیش از حد مدیران و حساسیت جریان‌های نقدی را بررسی کردند و دریافتند هزینه نمایندگی و خوش‌بینی بیش از حد مدیران در حساسیت جریان‌های نقدی سرمایه‌گذاری تأثیر معنادار و مثبتی دارد. بومن [۳۳] معتقد است بازار به تغییرات سود سهامی که مدیران خوش‌بین اعلام کرده‌اند، واکنش مثبت‌تری نشان می‌دهد تا آنچه مدیران منطقی اعلام کرده‌اند. باروس و سیلویرا [۳۴] در مطالعات خود مشاهده کردند شرکت‌هایی که افراد خوش‌بین اداره می‌کنند، تمایل بیشتری به انتخاب ساختارهای مالی اهرمی‌تر از خود نشان می‌دهند.

فرااعتمادی مدیریت

فرااعتمادی یکی از تورش‌های رفتاری است که افراد به آن مبتلا هستند. فرااعتمادی باعث می‌شود انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک را کمتر از حد تخمین بزند. این تورش رفتاری همچنین باعث می‌شود احساس کنیم روی مسائل

بنابراین، مسئله مهم در این پژوهش، با در نظر گرفتن ویژگی‌های اختلالات رفتاری مدیرعامل که به کنش‌ها و تصمیم‌گیری‌های متفاوتی منجر می‌شود، میزان تأثیرپذیری برخی از مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت از این اختلالات است. یافته‌های پژوهش علاوه بر اینکه موجب بسط مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران می‌شود، می‌تواند مورد استفاده سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری قرار گیرد و در امر تصمیم‌گیری آنان راهگشا باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اختلالات رفتاری مدیریت

اختلالات رفتاری مدیرعامل متأثر از حالات روانی آنها در وضعیت‌های طبیعی و غیرطبیعی است که بر کیفیت تصمیم‌گیری‌های آنها تأثیر می‌گذارد و باعث شود مسیر تصمیم‌ها به انحراف و سوگیری کشیده شود. اختلالات ایجادشده در رفتار مدیران به صورت خطاهای ادراکی معمولاً به صورت فرااعتمادی، خوش‌بینی و کوتاه‌بینی در راستای استراتژی‌های شرکت‌ها و اتخاذ تصمیم‌های شرکت در رابطه با افزایش یا تمایل‌نداشتن به افزایش ثروت سهامداران در بازارهای رقابتی رخ نشان می‌دهد [۷]، [۱۸].

خوش‌بینی مدیریت

خوش‌بینی مدیریت یکی از مهم‌ترین یافته‌های علم روانشناسی در حوزه قضاوت و تصمیم‌گیری و یکی از مهم‌ترین مفاهیم مالی رفتاری مدرن است که نشان می‌دهد اشخاص به دانش و توانایی‌هایشان بیشتر از آن چیزی که هست اعتماد دارند. معمولاً

با نگرش کوتاه‌بین، زمانی که با سود کمتر از سود مورد انتظار روبه‌رو می‌شوند، امکان دارد با قطع مخارج تحقیق، توسعه و بازاریابی این نقص را به‌طور موقت مرتفع کنند؛ اما در بلندمدت این نوع دست‌کاری‌ها مؤثر نخواهد بود [۴][۵۴].

نظام راهبری شرکتی و اختلالات رفتاری مدیرعامل

نظام راهبری شرکتی به‌عنوان مجموعه‌ای از سازوکارهای کنترلی درونی و بیرونی شرکتی تعریف می‌شود که وظیفه برقراری تعادل مناسب میان حقوق صاحبان سهام و همچنین نیازها و اختیارات هیئت‌مدیره را بر عهده دارد. در ادبیات مالی استاندارد تصور می‌شود نظام راهبری شرکتی یک راه‌حل خوب و مناسب برای حل مشکلات نمایندگی است که ممکن است ناشی از تضاد منافع بین مدیران و سهامداران (براساس نظریه نمایندگی) یا ذینفعان (براساس نظریه ذینفعان) باشد [۴۴].

ویژگی‌های فردی مدیران عامل، از جمله توانایی و دانش مالی، بر رفتار و نوع تصمیم‌های آنها در سازمان و به موجب آن بر شفافیت گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد؛ اما برعکس، سوگیری‌های ادراکی و رفتاری مدیران عامل در گزارشگری مالی و دیگر اشکال سوءمدیریت، تهدیدی مهم برای موجودیت و کارایی بازارهای سرمایه‌ای محسوب می‌شود. این اختلالات رفتاری به اعتماد بین افراد درگیر در امور تجاری آسیب می‌رساند؛ در نتیجه، به تضعیف نقش اساسی سرمایه برای تخصیص کارآیی منابع مالی خواهد انجامید [۲۴].

سیستم نظام راهبری شرکتی، سازوکاری نظارتی است که وظیفه اعمال کنترل رفتارهای مالی و مدیریتی را بر عهده دارد و هماهنگ با نظام حقوقی

کنترل داریم؛ درحالی که ممکن است درواقع اینگونه نباشد. گفتنی است هرچه دانش و مهارت فرد در حوزه‌ای بیشتر باشد، اعتماد فرد به دانش خود نیز بیشتر خواهد شد [۱۷]. مدیران فرااعتماد نیز تمایل دارند بازده سرمایه‌گذاری‌ها را بیش از اندازه و احتمال و دامنه تغییرات شوک‌های منفی را کمتر از اندازه برآورد کنند؛ برای مثال، اسپراند و زچمن [۶۰] دریافتند یک تعصب خوش‌بینانه اولیه در سود، هرچند عمدی نباشد، به ارائه نادرست سود دوره‌آتی توسط مدیران بیش‌اعتماد می‌تواند منجر شود [۱۷]. علاوه بر این، پژوهش‌های اخیر بیش‌اعتمادی مدیران را با حسابداری محافظه‌کارانه کمتر [۳۱][۱۷]، افزایش احتمال تعصب خوش‌بینانه نسبت به سود [۲۲]، کنترل‌های داخلی بی‌اثر [۳۹]، حساسیت سرمایه‌گذاری و اجتناب مالیاتی [۲۰] مرتبط دانسته‌اند.

کوتاه‌بینی مدیریت

لغت کوتاه‌بینی را نخستین بار تئودور لویت در سال ۱۹۶۰ با عنوان کوتاه‌بینی بازاریابی به کار برد. تعریف رایج کوتاه‌بینی نشان از آن دارد که کوتاه‌بینی، شکلی از سوگیری یا پیش‌داوری پایدار است که در ارتباط با دید افراد و سازمان‌ها به دنیا ثابت شده است [۵۱]. شناخت اشکال گوناگون کوتاه‌بینی در جلوگیری از انجام رفتارهای کوتاه‌بینانه می‌تواند کارساز واقع شود [۵۶]. حوزه حسابداری نیز کوتاه‌بینی را فعالیت مالی کوتاه‌مدت و به بیان دیگر، کوتاه‌نگر عنوان کرده است [۵۳]. فعالیت‌های کوتاه‌بینانه دارای پیامدهای موقت و مطلوبی است و نتایج منفی آن در بلندمدت نمایان می‌شود؛ زیرا بازارهای سرمایه توان درک صحیح پیامدهای کوتاه‌بینی در زمان وقوع را ندارند. مدیران

بنابراین، آنها انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری در مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارند؛ زیرا منافع بلندمدت مسئولیت‌پذیری اجتماعی، خواه از نظر مالی خواه از بعد کاهش ریسک، برای آنها مهم خواهد بود [۴۳]. یافته‌های پژوهش مک کارتی و همکاران [۵۷] نیز بیان می‌کند مدیران دارای بیش‌اطمینانی، کمتر خود را درگیر فعالیت‌های مربوط به مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌کنند و این امر به‌نوبه‌خود پیامدهایی را برای ارزش شرکت در پی دارد. حاجی هاشمی و ونوسفادرانی و عبدلی [۱۳] نیز بیان می‌کنند بین بیش‌اطمینانی مدیران و میزان افشای اطلاعات به‌صورت داوطلبانه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد.

صلحی [۶۱] در پژوهشی رابطه بین سوگیری‌های روان‌شناختی مدیر اجرایی، حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت را بررسی کرده است. نتایج نشان دادند افزایش اعتماد به مدیران اجرایی، عامل مهمی در تعیین انگیزه‌های شرکت برای قبول فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی است. علاوه بر این، نشان داده شد شیوه‌های مؤثر حاکمیت شرکتی به میزان چشمگیری به تعدیل رفتار مدیر اجرایی در رابطه با تسهیم مسئولیت اجتماعی شرکت منجر می‌شود. لی و همکاران [۵۲] در پژوهشی با عنوان «چه زمانی قدرت مدیران اجرایی سودمند است؟» این موضوع را بررسی کردند که در این بازارها، سرمایه‌گذاران نسبت به اعطای قدرت بیشتر به مدیران عامل واکنش نشان می‌دهند و قدرت بیشتر با ارزش بازار بالقوه، رشد فروش، سرمایه‌گذاری و تبلیغات و معرفی محصولات جدیدتر ارتباط دارد؛ بنابراین، احتمال

و فرهنگی هر شرکت (سازمان) تدوین می‌شود. اگر این اجزا و سازوکارها به درستی اعمال شوند، نظارت و کنترل صحیح نیز تحقق می‌یابند [۱۵]. نظام راهبری شرکتی با استفاده از مکانیزم‌های درونی، بیرونی و محیطی، همچون ۱- ساختار مالکیت که باعث کاهش استفاده فرصت‌طلبانه مدیران از منابع شرکت می‌شود، ۲- تمرکز مالکیت که امکان کنترل بهتر بر عملکرد مدیران و ترویج اقدامات اصلاحی را موجب می‌شود، ۳- کیفیت حسابرسی مستقل که فرایند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیر شرکت، مطابق با منافع سهامداران را ایجاد می‌کند و ۴- رقابت در بازار محصول که سبب بهبود عملکرد و گرفتن بهترین تصمیم در مورد آینده است، با کنترل و نظارت بر مدیر و رفتار او، بر کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه او اثر می‌گذارد [۲]. همچنین به‌عنوان یکی از سازوکارهای کنترلی برون شرکتی تعریف می‌شود که وظیفه برقراری تعادل مناسب میان حقوق صاحبان سهام را بر عهده دارد و در پی نظارت مؤثر بر عملکرد مدیران و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه آنان برای رسیدن به ایجاد توازن بین منافع مدیران و سهامداران است [۳].

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و اختلالات رفتاری مدیرعامل

مسئولیت‌پذیری اجتماعی یک سرمایه‌گذاری بلندمدت با خروجی بسیار مبهم است؛ بنابراین، مدیرانی که دارای توانایی مدیریتی کمی هستند، به دلیل نگرانی‌های شغلی، به سرمایه‌گذاری کمتر در مسئولیت‌پذیری اجتماعی تمایل دارند. همچنین، مدیران عامل با قدرت مدیریتی بالا و دورنمای شغلی برتر، دیدگاه‌های بلندمدت‌تری دارند؛

بیشتری وجود دارد که شرکت‌های دارای مدیران اجرایی قدرتمند در بازارهایی تقاضای بالایی داشته باشند که شرکت‌ها با تهدیدهای ورود مواجه‌اند. کرونوپولوس و سیگل [۳۸] در پژوهشی پیامدهای پیش‌بینی داوطلبانه را به‌عنوان ابزاری مهم در دستیابی به استراتژی‌های سرمایه‌گذاری و همچنین تأثیر خطای مدیریت (مدیران بدبین در مقابل مدیران خوش‌بین) نسبت به پایداری ارقام واقعی گزارش شده را بررسی کردند. با توجه به یافته‌ها، پیش‌بینی مدیریت نشان‌دهنده ارقام حسابداری با کیفیت بالای گزارشگری است؛ به‌طوری‌که مدیران بدبین نسبت به مدیران خوش‌بین ارقام حسابداری پایدارتری را ارائه می‌کنند. همچنین، پیش‌بینی‌ها نشان‌دهنده پیامدهای کیفی متفاوتی برای پیش‌بینی‌کنندگان است که زمینه‌های لازم را برای ایجاد مجموعه سرمایه‌گذاری سودآور فراهم می‌کنند. شاه‌علی و عبدلی [۱۸] در پژوهشی تأثیرپذیری چسبندگی چشم‌انداز درآمد آتی از اختلالات ادراکی مدیرعامل را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان دادند بین هر سه معیار اختلالات ادراکی مدیرعامل بر چسبندگی چشم‌انداز درآمد آتی تأثیر معناداری وجود دارد. این تأثیر درباره فرااعتمادی، منفی و در دو مورد خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مثبت بوده و از نظر شدت تأثیر، خوش‌بینی در بین سه معیار از بقیه تأثیر بیشتری بر چسبندگی چشم‌انداز درآمد آتی داشته است. تهرانی و دلشاد [۷] در پژوهشی تأثیر کوتاه‌بینی مدیران بر عملکرد مالی آتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج پژوهش، تأثیر مثبت و معنادار کوتاه‌بینی مدیران بر عملکرد مالی آتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار

تهران را نشان دادند. به بیان دیگر، در صورت وجود کوتاه‌بینی مدیران، عملکرد مالی آتی شرکت‌های نمونه بهبود یافته است. موسوی شیری و همکاران [۲۵] در پژوهشی شواهد تجربی از نقش خوش‌بینی مدیریت بر بازده سهام را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان دادند بین رشد مخارج سرمایه‌ای با بازده سهام، رابطه منفی و معنادار و بین مقدار سرمایه‌گذاری مازاد در دارایی‌ها با بازده سهام رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ اما بین اختلاف سود پیش‌بینی شده هر سهم با سود واقعی با بازده سهام هیچ رابطه معناداری یافت نشد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های اصلی

اختلالات رفتاری مدیرعامل (فرااعتمادی، خوش‌بینی و کوتاه‌بینی) بر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی تأثیر معناداری دارد.

اختلالات رفتاری مدیرعامل (فرااعتمادی، خوش‌بینی و کوتاه‌بینی) بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه‌های فرعی

اختلالات رفتاری مدیرعامل (فرااعتمادی، خوش‌بینی و کوتاه‌بینی) بر کیفیت حسابرسی مستقل تأثیر معناداری دارد.

اختلالات رفتاری مدیرعامل (فرااعتمادی، خوش‌بینی و کوتاه‌بینی) بر میزان مالکیت نهادی تأثیر معناداری دارد.

اختلالات رفتاری مدیرعامل (فرااعتمادی، خوش‌بینی و کوتاه‌بینی) بر تمرکز مالکیت تأثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

- شرکت (۱۱۰*۸) است که در این بین، فقط ۳۴ شرکت هزینه تحقیق و توسعه داشته‌اند. داده‌های پژوهش حاضر با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال، نرم‌افزار ره‌آورد نوین و پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار استخراج شدند. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها با نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews10 و Stata14 صورت گرفت.

جامعه آماری پژوهش متشکل از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ است. با توجه به نگاره ۱، در نتیجه اعمال شرایط و محدودیت‌ها به صورت حذف سیستماتیک ۱۱۰ شرکت از ۱۷ صنعت به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. دوره تحقیق ۸ سال متوالی است؛ بنابراین، حجم نمونه نهایی ۸۸۰ سال

نگاره ۱. روند انتخاب نمونه آماری

ردیف	محدودیت‌ها	تعداد شرکت‌ها
۱	کل شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۳۹۸ عضو بورس بوده‌اند.	۵۵۸
۲	از ابتدای سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار پذیرفته نشده باشد.	۶۷
۳	سال مالی آن منتهی به پایان اسفندماه نباشد.	۷۹
۴	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی ۹۸-۹۱ در بورس فعال نبوده‌اند.	۹۸
۵	تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت داده باشد.	۵۲
۶	جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی باشد.	۱۳۰
۷	داده‌های مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش برای شرکت در دسترس نیستند.	۲۲
۸	تعداد نمونه آماری انتخاب شده	۱۱۰

مدل‌های پژوهش

$$SIZE_{it} + \beta_5 FA_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 DIV_{it} + \epsilon_{it} \quad (۳)$$

مدل‌های استفاده شده در پژوهش به شرح زیر

$$CSR_{it} = \beta_0 + \beta_1 OC.CEO_{it} + \beta_2 OPTIMISM_{IT} + \beta_3 MYOPIA_{IT} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 FA_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 DIV_{it} + \epsilon_{it} \quad (۴)$$

هستند. برای آزمون مدل‌ها از تکنیک رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است.

$$AUD_{it} = \beta_0 + \beta_1 OC.CEO_{it} + \beta_2 OPTIMISM_{IT} + \beta_3 MYOPIA_{IT} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 FA_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 DIV_{it} + \epsilon_{it} \quad (۱)$$

در این مدل‌ها، AUD_{it} کیفیت حسابرسی مستقل شرکت i در سال t ، $OC.CEO_{it}$ فرااعتمادی

مدیرعامل شرکت i در سال t ، $OPTIMISM_{IT}$ خوش‌بینی مدیرعامل شرکت i در سال t ؛ $MYOPIA_{IT}$ کوتاه‌بینی مدیرعامل شرکت i در سال t ، $SIZE_{it}$ اندازه شرکت i در سال t ، FA_{it} نسبت دارایی‌های ثابت شرکت i در سال t ، MTB_{it} ارزش

$$INST_{it} = \beta_0 + \beta_1 OC.CEO_{it} + \beta_2 OPTIMISM_{IT} + \beta_3 MYOPIA_{IT} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 FA_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 DIV_{it} + \epsilon_{it} \quad (۲)$$

$$CON_{it} = \beta_0 + \beta_1 OC.CEO_{it} + \beta_2 OPTIMISM_{IT} + \beta_3 MYOPIA_{IT} + \beta_4$$

و رویکرد سهم بازار بهره گرفته شد. هرچه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرس نسبت به سایر رقیبان بیشتر است. داشتن سهم غالب بازار به این معناست که حسابرس به طور موفقیت آمیزی خود را از سایر رقیبان از لحاظ کیفیت حسابرسی متمایز کرده است. سهم بازار حسابرسان از طریق فرمول زیر اندازه گیری می شود:

سهم بازار حسابرسان (5)

$$= \frac{\text{مجموع داراییهای تمام صاحبکاران هر مؤسسه حسابرسی در صنعت خاص}}{\text{مجموع داراییهای تمام صاحبکاران در این صنعت}}$$

مؤسساتی در این پژوهش به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می شوند که سهم بازارشان (یعنی معادله بالا) بیش از مقدار $\left(\frac{1}{2} \times \left(\frac{1}{\text{تعداد شرکتهای موجود}}\right)\right)$ باشد (۶) پس از محاسبه سهم بازار یک مؤسسه حسابرسی، اگر مقدار به دست آمده از مقدار معادله بالا بیشتر باشد، مؤسسه حسابرسی در آن صنعت متخصص است. اگر حسابرس متخصص صنعت باشد، SPL عدد یک و در غیر این صورت برابر صفر فرض می شود [۵۸][۲۶].

• میزان سهامداران نهادی:

سهامداران نهادی شامل بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و سایر مؤسسه‌هایی اند که حجم بالایی از اوراق بهادار را خرید و فروش می کنند. در ادبیات نظام راهبری شرکتی، سرمایه‌گذاران نهادی یکی از سازوکارهای خارجی مؤثر در نظارت بر شرکت شناخته می شوند [۵]. در این پژوهش برای محاسبه میزان سهامداران نهادی، مطابق پژوهش بادآور نهدی و همکاران [۵] از فرمول زیر استفاده شده است:

بازار به ارزش دفتری شرکت i در سال t ، ROA_{it} بازده دارایی‌های شرکت i در سال t ، DIV_{it} نسبت تقسیم سود شرکت i در سال t ، $inst_{it}$ میزان مالکیت نهادی شرکت i در سال t ، CON_{it} تمرکز مالکیت شرکت i در سال t ، CSR_{it} مسئولیت اجتماعی شرکت i در سال t است.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای وابسته: مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت سه معیار برای سنجش نظام راهبری شرکتی انتخاب شدند که شامل موارد زیر هستند:

• کیفیت حسابرسی مستقل:

کیفیت حسابرسی که به صورت مستقیم با حاکمیت شرکتی و سازوکارهای نظارتی در ارتباط است، یک ساختار پنهان و چندبعدی دارد؛ بنابراین، تعریف جامعی از کیفیت حسابرسی وجود ندارد که دربرگیرنده همه انواع حسابرسی و حسابرس باشد [۱۹]. دی‌آنجلو تعریف متداولی از کیفیت حسابرسی ارائه کرده است. او کیفیت حسابرسی را «ارزیابی (استنباط) بازار» احتمال وقوع این موضوع تعریف کرده است که حسابرس: ۱- موارد تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی یا سیستم حسابداری صاحب‌کار را کشف کند و ۲- تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش کند. احتمال اینکه حسابرس موارد تحریفات با اهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرس و احتمال اینکه حسابرس موارد تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند به استقلال حسابرس بستگی دارد [۲۷]. برای اندازه‌گیری این متغیر مطابق پژوهش مجتهدزاده و بابایی [۲۶] از معیار تخصص حسابرس در صنعت

وجود هر نقطه ضعف یا نقطه قوت مربوطه، عدد یک و در صورت نبود آنها عدد صفر در نظر گرفته خواهد شد. همچنین امتیاز مسئولیت اجتماعی به صورت نسبت بیان می‌شود [۱۱]. مطابق با پژوهش حاجیها و سرفراز [۱۱] اطلاعات لازم برای این متغیرها در گزارش هیئت‌مدیره شرکت‌ها افشا می‌شود. در پژوهش حاضر برای معرفی هریک از ابعاد، با توجه به ماهیت افشاگری در ایران، از شاخص‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی در ایران و همچنین از گواهی‌نامه‌های ISO9001 سیستم مدیریت کیفیت، ISO14001 مدیریت زیست‌محیطی و OHSAS18001 استاندارد ایمنی و بهداشت استفاده شده است؛ بنابراین، در این پژوهش صرفاً از مدل KLD استفاده نشده است؛ بلکه معیارها مطابق با استاندارد ایران‌اند؛ همان‌طور که در گزارش هیئت‌مدیره افشا می‌شود. مدل حاضر مدل عینی و کمی معروفی است که تاکنون از طریق نهادهای رسمی در بسیاری از کشورها برای اندازه‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی استفاده شده است. مطابق با پژوهش حاجیها و سرفراز [۱۱] مدل به صورت زیر است:

$$CSR-s = CSR-COM-S + CSR-EMP-S + CSR-ENV-S + CSR-PROs \quad (9)$$

CSR-s = نمره مسئولیت‌پذیری اجتماعی،

CSR-COM-S = نمره افشای مشارکت

اجتماعی که از تفاضل نقاط قوت و ضعف

خاص خود به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$CSR-COM-S = \sum \text{Strengths} - \sum \text{Concerns} \quad (10)$$

همین‌طور می‌توان نمره‌های ابعاد دیگر

مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همچون-CSR

EMP-S (نمره افشای روابط کارکنان)، -CSR

(۷) کل سهام منتشره شرکت / مجموع سهام در

مالکیت سهامداران نهادی = میزان مالکیت نهادی

• میزان تمرکز مالکیت:

تمرکز مالکیت عبارت است از چگونگی توزیع سهام بین سهامداران یک شرکت که هرچه تعداد سهامداران کمتر باشد، مالکیت متمرکزتر خواهد بود [۵]. در واقع تمرکز مالکیت به حالتی اطلاق می‌شود که میزان چشمگیری از سهام شرکت در دست سهامداران عمده باشد و نشان می‌دهد چه درصدی از سهام شرکت به عده محدودی تعلق دارد [۱]. در این پژوهش، برای اندازه‌گیری میزان تمرکز مالکیت، از شاخص هرفیندال هیرشمن، مطابق پژوهش بادآور نهدی و همکاران [۵] استفاده شد:

$$HHI = \sum_{i=1}^n \left(\frac{\text{میزان مالکیت سرمایه گذار نهادی } i}{n} \right)^2 \quad (8)$$

عددی که از محاسبه این فرمول به دست می‌آید اگر به سمت یک میل کند، تمرکز مالکیت و اگر به سمت صفر میل کند، عدم تمرکز مالکیت رخ داده است.

• مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت:

با توجه به معیارهایی اندازه‌گیری می‌شود که مؤسسه آمریکایی معروف به KLD هر ساله سازمان‌ها را براساس معیارهای اجتماعی و زیست‌محیطی رتبه‌بندی می‌کند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی در این پژوهش چهار بعد دارد؛ هر بعد آن دارای نقاط قوت و ضعف مخصوص است که با تفاضل نقاط قوت از نقاط ضعف مربوطه نمره آن بعد به دست می‌آید؛ در نهایت، با جمع تمام ابعاد فوق یک نمره کلی برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی به دست خواهد آمد. گفتنی است در صورت

ENV-S (نمره افشای محیط زیست) و -CSR
 PRO-S (نمره افشای ویژگی محصولات) را با
 روش ذکرشده در بالا محاسبه کرد. پاره‌ای از
 نقاط قوت و ضعف ابعاد مسئولیت‌پذیری
 اجتماعی به‌طور خلاصه در نگاره ۲ ارائه
 شده‌اند [۱۱].

نگاره ۲. ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی همراه با نقاط قوت و ضعف آنها

نقاط قوت	نمره	نقاط ضعف	نمره	ابعاد مسئولیت اجتماعی
۱- کمک‌های خیریه ۲- کمک‌های نوآورانه (کمک به سازمان‌های غیرانتفاعی و مشارکت در طرح‌های عمومی)		۱- اثر منفی اقتصادی (تأثیر منفی بر کیفیت زندگی) تعطیلی کارخانه ۲- عدم پرداخت مالیات		مشارکت اجتماعی
جمع نمره میزان افشای مشارکت اجتماعی				
۱- به اشتراک گذاشتن سود نقدی ۲- مزایای بازنشستگی		۱- ضعف بهداشت و ایمنی ۲- کاهش نیروی کار		روابط کارکنان
جمع نمره میزان افشای روابط کارکنان				
۱- انرژی پاک (استفاده از سوخت با آلودگی کمتر) ۲- کنترل آلودگی هوا و کاهش گاز گلخانه‌ای		۱- تولید زباله‌های خطرناک ۲- پرداخت جریمه به‌دلیل نقض مدیریت زباله		محیط زیست
جمع نمره میزان افشای محیط زیست				
۱- کیفیت محصول ۲- ایمنی محصول		۱- پرداخت جریمه در مورد ایمنی محصول ۲- پرداخت جریمه برای تبلیغات منفی		ویژگی محصولات
جمع نمره میزان افشای ویژگی محصولات				
جمع نمره‌ها				

پژوهش احمد و دوئلمن [۳۱] و اسجراند و زوزچمن [۶۰] از طریق محاسبه باقی‌مانده‌های مدل ۱۱ به دست می‌آید. برآورد این مدل به‌صورت ترکیبی و برای شرکت i در سال t تخمین زده شده است. در واقع اگر جزء خطای مثبت باشد، نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری بیش از حد شرکت i در سال t است و ارزش یک می‌گیرد و در غیر این صورت صفر می‌گیرد [۹].

$$Investment_{it} = \alpha + \beta 1 \Delta salse_{it} + \epsilon_0 \quad (11)$$

Investment عبارت است از مخارج سرمایه‌ای که از یادداشت دارایی ثابت صورت ترازنامه استخراج می‌شود. $\Delta salse$ عبارت است از تفاوت فروش سال جاری و فروش سال قبل.

• خوش‌بینی (Optimism)

خوش‌بینی مدیریتی در شرکت i در سال t، با تعدیل شاخص‌های به کار گرفته شده در پژوهش یحیی‌زاده فر و همکاران [۲۹] براساس تعداد

متغیر مستقل: اختلالات ادراکی مدیرعامل

برای سنجش متغیر مستقل از سه عامل به

شرح زیر استفاده شده است:

• فرااعتمادی (OC.CEO)

برای محاسبه فرااعتمادی مدیران از دو شاخص مطابق پژوهش ثریا و همکاران [۹] به شرح زیر استفاده شد:

الف) نسبت مخارج سرمایه‌ای (CAPEX):

متغیر مجازی است که طبق پژوهش دیولامان و همکاران [۴۱] اگر نسبت کل مخارج سرمایه‌ای شرکت i در سال t به میانگین کل دارایی‌ها، بزرگ‌تر از نسبت کل مخارج سرمایه‌ای صنعت به میانگین کل دارایی‌های صنعت باشد، ارزشی برابر با یک و در غیر این صورت ارزشی برابر با صفر خواهد داشت [۱۷].

ب) سرمایه‌گذاری بیش از حد (Over-

Invest): یک متغیر مجازی است که مطابق با

اصفهان‌ی و عبدلی [۲۸] با استفاده از روابط (۱۲)،
(۱۳) و (۱۴) برآورد شود [۳۲]

$$ROA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ROA_{i,t-1} + \epsilon_{i,t} \quad (12)$$

$$Mktgi_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Mktgi_{i,t-1} + \epsilon_{i,t} \quad (13)$$

$$R\&Di_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 R\&Di_{i,t-1} + \epsilon_{i,t} \quad (14)$$

$ROA_{i,t}$: نرخ بازده دارایی‌هاست که براساس

نسبت سود خالص به جمع دارایی‌ها سنجیده

می‌شود. $Mktgi_{i,t}$: نسبت هزینه‌های بازاریابی و

فروش به جمع دارایی‌ها. $R\&Di_{i,t}$: نسبت

هزینه‌های تحقیق و توسعه به جمع دارایی‌ها. با

توجه به اینکه تعداد داده‌های در دسترس برای

اجرای مدل هزینه تحقیق و توسعه به اندازه کافی

نبود، اجرای این مدل در سطح صنعت میسر نشد؛

بنابراین، به منظور استخراج ضرایب مدل و برآورد

باقی‌مانده‌های معادله‌های سودآوری و هزینه‌های

بازاریابی در سطح صنعت و معادله هزینه‌های

تحقیق و توسعه در سطح کل شرکت‌ها اجرا شده

است. پس از محاسبه مقادیر برآوردی بازده

دارایی‌ها، هزینه بازاریابی و هزینه تحقیق و توسعه

با استفاده از مدل‌های بالا، مقادیر پیش‌بینی‌شده

حاصل از مدل با مقادیر واقعی مقایسه شدند و با

توجه به میزان تفاوت موجود (i,t) ، شرکت‌های

نمونه در چهار گروه اصلی به شرح نگاره ۳

تقسیم‌بندی می‌شوند.

روزهای افزایش قیمت سهام محاسبه می‌شود؛
به‌گونه‌ای که اگر در طول سال مالی، تعداد روزهای
افزایش قیمت سهام بیشتر از تعداد روزهای کاهش
قیمت سهام باشد، فرض خوش‌بینی مدیریت بیشتر
است و به آن عدد یک تعلق می‌گیرد؛ در غیر این
صورت به آن عدد صفر داده می‌شود.

• کوتاه‌بینی (Myopia)

زمانی که مدیریت شرکت کوتاه‌بین باشد، برای
بهبود وضعیت کوتاه‌مدت شرکت، از آینده بلندمدت
شرکت هزینه می‌کنند و به عبارتی وضعیت
کوتاه‌مدت شرکت را فدای آینده بلندمدت آن
می‌کنند. در شرکت‌های با مدیریت کوتاه‌بین، باوجود
موفقیت‌های مالی و داشتن فرصت و منابع لازم
برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بلندمدت، از این
کار امتناع می‌کنند؛ بنابراین، شرکت‌هایی که به‌طور
همزمان بازدهی (سودآوری) بیش از حد معمول و
هزینه‌های بازاریابی، تحقیق و توسعه‌ای کمتر از حد
مورد انتظار را گزارش می‌کنند، به احتمال زیاد
مشمول ویژگی مدیریت کوتاه‌بینانه خواهند بود.
برای شناسایی و تعیین شرکت‌های کوتاه‌بین، ابتدا
لازم است سطح مورد انتظار بازده دارایی و هزینه
بازاریابی، تحقیق و توسعه برای شرکت i در دوره t
مطابق پژوهش مردادی و باقری (۱۳۹۳) و نقیبه

نگاره ۳. دسته‌بندی شرکت‌ها از منظر بازده دارایی پیش‌بینی‌شده و واقعی

گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳	گروه ۴
اختلاف مثبت بین بازده دارایی پیش‌بینی‌شده و واقعی	اختلاف مثبت بین بازده دارایی پیش‌بینی‌شده و واقعی	اختلاف مثبت بین بازده دارایی پیش‌بینی‌شده و واقعی	اختلاف منفی بین بازده دارایی پیش‌بینی‌شده و واقعی
اختلاف منفی هزینه‌های بازاریابی، تحقیق و توسعه پیش‌بینی‌شده و واقعی	فقط اختلاف یکی از هزینه‌های بازاریابی، تحقیق و توسعه منفی	اختلاف مثبت هزینه‌های بازاریابی، تحقیق و توسعه پیش‌بینی‌شده و واقعی	

با داشتن عملکرد مثبت مالی و افزایش بازده

دارایی‌ها، هزینه‌های بازاریابی، تحقیق و توسعه

در این جدول، گروه ۱ به‌عنوان شرکت‌های

دارای مدیریت کوتاه‌بین در نظر گرفته می‌شوند؛ زیرا

شرکت کاهش یافته است؛ بنابراین، به شرکت‌های گروه ۱، عدد یک و به شرکت‌هایی که چنین ویژگی ندارند و در سایر گروه‌ها قرار می‌گیرند، عدد صفر تعلق می‌گیرد [۲۸].

متغیرهای کنترلی

$SIZE_{it}$: معادل لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت است. اندازه شرکت‌ها عامل مهمی در گزارشگری مسئولیت اجتماعی به دلیل منابع مالی یا فشارهای عمومی است [۵۵]. $FAit$: از نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود. به‌عنوان معیار محیطی در ارتباط با تأثیر سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت این استدلال وجود دارد که شرکت‌های دارای سرمایه‌گذاری بیشتر در این بخش، از تجهیزات و امکانات به‌روزتری استفاده می‌کنند و آلاینده‌گی کمتری برای محیط زیست دارند [۱۰]. $MTBit$: از نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام شرکت محاسبه می‌شود. اصول محافظه‌کارانه حسابداری و اصل تحقق باعث می‌شوند اندازه‌گیری دارایی و درآمدها از سوی مدیریت شرکت کمی غرض‌ورزانه باشد. دو نوع حسابداری محافظه‌کارانه وجود دارد؛ شرطی و غیرشرطی [۳۵]. در حالت غیرشرطی، دارایی‌های نامشهود مانند عامل رشد، نام تجاری، سهمی که از بازار دارد و R&D در ترازنامه توسط مدیریت شرکت نادیده گرفته می‌شود. در حالت شرطی، ارزش سهام در شرایط نامساعد محاسبه می‌شود؛ اما برای شرایط مساعد محاسبه نمی‌شود. $ROAit$: از

نسبت سود بعد از مالیات شرکت به کل دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود. یکی از کاربردهای مهم نرخ بازده دارایی‌ها این است که مدیران را به کنترل دارایی‌های عملیاتی وادار می‌کند و همواره با کنترل هزینه‌ها، نرخ سود خالص و حجم فروش، دارایی‌های عملیاتی نیز کنترل می‌شوند. امروزه نرخ بازده دارایی‌ها یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش کارایی مدیران به‌ویژه برای نظارت بر مراکز سرمایه‌گذاری است. همچنین شرکت‌ها با عملکرد مالی بهتر احتمالاً منابع مالی بیشتری برای گزارشگری مسئولیت اجتماعی دارند [۸]. $DIVit$: از درصد سود تقسیمی شرکت محاسبه می‌شود. سرمایه‌گذاری نقدی توسط مدیران در حاکمیت شرکتی ضعیف در آینده موجب کاهش سودآوری و درصد سود تقسیمی شرکت می‌شود که مبنایی برای قیمت‌گذاری شرکت‌ها است [۴۷]. این نتایج درست جایگزین فرضیه جریان نقد جنسن [۵۰] و نظریه عمومی مسئله نمایندگی است. براساس فرضیات جنسن [۵۰] و استولز [۶۲] سهامداران تمایل دارند دسترسی مدیران به جریان نقدی آزاد را برای جلوگیری از سوءاستفاده مدیران از منابع شرکت محدود کنند.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره ۴ نشان داده شده است.

نگاره ۴. شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مشاهدات
تخصّص حسابرس در صنعت	۰/۶۵۰۰	۱	۱	۰	۰/۴۷۷۲	-۰/۶۲۸۹	-۱/۳۹۵۶	۸۸۰
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۰/۵۶۶۸	۰/۵۸۳۳	۰/۸۳۳۳	۰/۲۵۰	۰/۱۱۸۶	-۰/۲۷۴۰	۲/۵۵۱۶	۸۸۰
مالکیت نهادی	۶۸/۵۱۸	۶۸/۱۷۰	۹۹/۹۳۰	۳۳/۴۱۰	۱۳/۱۳۶	-۰/۰۳۲۴	۲/۶۴۲	۸۸۰
تمرکز مالکیت	۰/۲۸۱۲	۰/۲۸۱۲	۰/۹۸۹۰	۰	۰/۲۱۰۶	-۰/۵۰۱۸	۲/۷۳۳۹	۸۸۰
فرااعتمادی مدیرعامل	۰/۲۵۹۰	۰	۱	۰	۰/۴۳۸۳	۱/۰۹۹۸	۲/۲۰۹۳	۸۸۰
خوش‌بینی مدیرعامل	۰/۳۶۲۵	۰	۱	۰	۰/۴۸۰۹	۰/۲۷۲۰	۱/۳۱۳۰	۸۸۰
کوته‌بینی مدیرعامل	۰/۰۵۸۲	۰	۱	۰	۰/۲۱۸۱	۴/۱۲۹۴	۱۸/۰۵۲۶	۸۸۰
اندازه شرکت	۱۴/۵۹۶	۱۴/۴۳۶	۱۹/۷۷	۱۰/۶۷	۱/۵۴۱	۰/۶۳۷۸	۳/۶۹۴۱	۸۸۰
نسبت دارایی‌های ثابت	۰/۲۶۱۱	۰/۳۱۳۶	۰/۹۳۲۹	۰/۰۰۰۵	۰/۱۹۲۶	۰/۹۳۶۱	۳/۱۳۳۶	۸۸۰
بازده دارایی‌ها	۰/۱۳۱۲	۰/۱۲۱۲	۰/۷۴۹۴	-۰/۵۳۴۹	۰/۱۵۲۲	۰/۱۸۹۱	۴/۵۵۹۳	۸۸۰
آرش بازار به ارزش دفتری	۳/۴۹۲۸	۲/۰۲۵۷	۶۵/۲۲	-۲۸/۰۱۴	۶/۰۱۲۲	۴/۲۰۹۹	۳۶/۱۳۵۸	۸۸۰
نسبت تقسیم سود	۰/۴۴۱۹	۰/۴۶۸۰	۰/۹۹۰	۰	۰/۳۴۴۵	۰/۰۲۲۶	۱/۵۲۵۳	۸۸۰

متوسط قیمت هر سهم مربوط به شرکت‌های نمونه از ارزش دفتری آن بالاتر است. میانگین نسبت تقسیم سود ۰/۴۴ است که نشان می‌دهد شرکت‌ها در دوره بررسی شده روند رو به رشدی داشته‌اند و بازده سرمایه‌گذاری سهامداران عادی شرکت نیز در سطح نسبتاً بالایی است. میانگین اندازه شرکت نیز تقریباً برابر ۱۵ است که نشان می‌دهد اندازه شرکت‌های نمونه در حد متوسط است. ۲۶ درصد از شرکت‌های نمونه، میزان دارایی‌های ثابت کمی دارند. ۱۳ درصد شرکت‌های مورد مطالعه تقریباً طی دوره بررسی شده به‌ازای هر ریال سرمایه‌گذاری در دارایی‌های شرکت معادل ۱۳ درصد بازدهی داشته‌اند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش
فرضیه اصلی اول: اختلالات رفتاری مدیرعامل (فرااعتمادی، خوش‌بینی و کوته‌بینی)

همان‌طور که در نگاره ۴ مشاهده می‌شود، آماره‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، کمینه و بیشینه است. شاخص‌ها نشان می‌دهند به‌طور متوسط ۵۶ درصد از شرکت‌های نمونه از مسئولیت اجتماعی بالایی برخوردارند. ۶۱ درصد مالکیت شرکت‌ها در اختیار سهامداران نهادی است. تمرکز مالکیت شرکت‌ها نسبتاً پایین است و فقط ۲۸ درصد سهام شرکت‌ها در اختیار سهامداران عمده قرار دارد. ۶۵ درصد از شرکت‌های نمونه جزء مؤسسات حسابرسی با کیفیت و عضو جامعه حسابداران رسمی ایران هستند. ۲۶ درصد شرکت‌های نمونه دارای مدیرانی با فرااعتمادی بالا هستند. ۳۶ درصد شرکت‌های نمونه دارای مدیرانی با خوش‌بینی بالا هستند. حدوداً ۱۰ درصد شرکت‌های نمونه دارای مدیران کوته‌بین‌اند. شرکت‌های مورد مطالعه طی دوره بررسی شده معادل ۳/۴ درصد رشد داشته‌اند. به‌طور

$$AUD_{it} = \beta_0 + \beta_1 OC.CEO_{it} + \beta_2 OPTIMISM_{IT} + \beta_3 MYOPIA_{IT} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 FA_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 DIV_{it} + \epsilon_{it} \quad \text{مدل (۱۵)}$$

برای بررسی این فرضیه با توجه به دو وجهی بودن متغیر وابسته (کیفیت حسابرسی) برای تخمین مدل از رگرسیون لجستیک استفاده شده است.

بر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی ۱-۱: اختلالات رفتاری مدیرعامل (فرااعتمادی، خوشبینی و کوتاه‌بینی) بر کیفیت حسابرسی مستقل تأثیر معناداری دارد. برای آزمون فرضیه پژوهش از مدل رگرسیون زیر استفاده شده است:

نگاره ۵. رابطه اختلالات ادراکی مدیرعامل و کیفیت حسابرسی مستقل طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸

متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره-Z	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-۸/۷۶۶۲	۰/۹۶۰۳	-۹/۱۴۹۱	۰/۰۰۰
فرااعتمادی	-۰/۴۱۷۸	۰/۱۸۲۸	-۲/۲۸۵۰	۰/۰۲۲
خوش‌بینی	-۰/۲۰۶۸	۰/۱۶۶۳	-۱/۲۴۳۴	۰/۲۱۳
کوتاه‌بینی	۰/۳۹۱۶	۰/۳۷۹۸	۱/۰۳۱۱	۰/۳۰۳
اندازه شرکت	۰/۶۰۲۳	۰/۰۶۶۸	۹/۰۱۳۹	۰/۰۰۰
نسبت دارایی‌های ثابت	۲/۱۹۸۶	۰/۴۵۵۸	۴/۸۲۲۳	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌های	۰/۷۴۰۲	۰/۵۶۲۵	۱/۳۱۵۷	۰/۱۸۸
ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰/۰۰۸۵	۰/۰۱۲۵	۰/۶۸۷۹	۰/۴۹۱۵
نسبت تقسیم سود	۰/۶۹۲۱	۰/۲۳۲۳	۲/۹۷۹۲	۰/۰۰۳
ضریب تعیین مک فادن	۰/۱۴۸		LR-آماره	۱۶۹/۲۳
هاسمر لمشو	۰/۲۴۹		سطح معناداری (LR)	۰/۰۰۰۰
		احتمال آزمون والد		۰/۰۴۹

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج نگاره ۵ نشان می‌دهند:

تأثیر معناداری ندارد. با توجه به سطح معناداری متغیر کوتاه‌بینی مدیرعامل که برابر $P\text{-Value} = 0/479$ است، می‌توان نتیجه گرفت کوتاه‌بینی مدیرعامل بر کیفیت حسابرسی مستقل تأثیر معناداری ندارد؛ زیرا سطح معناداری آزمون برای متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، نسبت دارایی‌های ثابت و نسبت تقسیم سود کمتر از $0/05$ است؛ بنابراین، این متغیرها بر کیفیت حسابرسی مستقل تأثیر معناداری ندارند.

با توجه به سطح معناداری متغیر فرااعتمادی مدیرعامل که برابر $P\text{-Value} = 0/0145 < 0.05$ است، براساس ضریب رگرسیونی می‌توان نتیجه گرفت فرااعتمادی مدیرعامل بر کیفیت حسابرسی مستقل تأثیر منفی و معناداری دارد. با توجه به سطح معناداری متغیر خوش‌بینی مدیرعامل که برابر $P\text{-Value} = 0/180 > 0.05$ است، می‌توان نتیجه گرفت خوش‌بینی مدیرعامل بر کیفیت حسابرسی مستقل

در بررسی این فرضیه از مدل رگرسیون خطی چندمتغیره به شرح زیر استفاده شده است:

$$INST_{IT} = \beta_0 + \beta_1 OC.CEO_{it} + \beta_2 OPTIMISM_{IT} + \beta_3 MYOPIA_{IT} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 FA_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 DIV_{it} + \epsilon_{it} \quad \text{مدل (۱۶)}$$

قبل از انجام آزمون رگرسیون باید فروض کلاسیک بررسی شود. مفروضات مدل کلاسیک عبارت‌اند از نرمالیتی توزیع اجزای اخلال، همسانی واریانس‌ها و فرض عدم خودهمبستگی خطاهای رگرسیونی.

۱- نرمالیتی توزیع اجزای اخلال

نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌ها یا خطاها یکی از مفروضات استفاده از رگرسیون خطی است. برای آزمون نرمال بودن توزیع اجزای اخلال، از آزمون جاکر برا استفاده شده است. در صورتی که اجزای باقی‌مانده از توزیع نرمال برخوردار باشند، می‌توان ادعا کرد جامعه نیز دارای توزیع نرمال است.

ضریب تعیین مک‌فادن نشان می‌دهد حدوداً ۱۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته، با متغیرهای توضیحی تبیین می‌شوند. مقدار احتمال هاسمر و لمشو برابر ۰/۲۴۹ و بیشتر از ۵ درصد است که بیان‌کننده بالابودن قدرت نیکویی برآزش مدل لجستیک حاضر است. با توجه به مقدار سطح معنی‌داری آزمون والد ۰/۰۴۹ که کمتر از ۵ درصد است، می‌توان گفت ضریب متغیر مستقل بر میزان احتمال موفقیت متغیر وابسته تأثیرگذار است. احتمال آماره LR معناداری کل مدل را رد نمی‌کند و مقدار آماره فیشر (LR) بیان می‌کند رابطه‌ای قوی میان متغیرها در این الگو وجود دارد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت از عوامل اختلالات رفتاری مدیرعامل متغیر فراعتمادی بر کیفیت حسابرسی مستقل دارای تأثیر منفی و معنادار است و متغیرهای خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیرعامل بر کیفیت حسابرسی مستقل تأثیرگذار نیستند.

فرضیه فرعی ۱-۲: اختلالات رفتاری مدیرعامل (فراعتمادی، خوش‌بینی و کوتاه‌بینی) بر میزان مالکیت نهادی تأثیر معناداری دارد.

نگاره ۶. نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌ها

نرمال بودن جزء خطا	مدل (۱۶)	مدل (۱۷)	مدل (۱۸)
آزمون جاکو - برا	۱/۴۸۸	۰/۷۱۱	۰/۵۷۵
سطح معنی‌داری	۰/۴۷۵	۰/۷۰۰	۰/۳۸۸
مشاهدات	۸۸۰	۸۸۰	۸۸۰

۲- همسانی واریانس (ثابت بودن واریانس جمله خطا)

یکی دیگر از فروض رگرسیون خطی این است که تمامی جملات باقی‌مانده دارای واریانس برابر

براساس نتایج آزمون جاکر برا، چون سطح معناداری آزمون برای همه مدل‌ها بیشتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر یعنی نرمال بودن توزیع اجزای اخلال مدل‌های رگرسیونی پژوهش تأیید می‌شود.

باشند. در این مطالعه فرض ناهمسانی واریانس باقی‌مانده‌ها از طریق آزمون LR بررسی شد.

نگاره ۷. همسانی واریانس (آزمون LR)

ردیف	نوع آماره	مقدار آماره	احتمال
مدل ۱۶	آماره F	۹۴۰/۳۹۰	۰/۰۰۰
مدل ۱۷	آماره F	۹۵۰/۸۳۲	۰/۰۰۰
مدل ۱۸	آماره F	۴۰۵۲/۰۷۹	۰/۰۰۰

نتایج نگاره ۷ نشان می‌دهند چون سطح معناداری آزمون LR در مدل‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۸ از ۰/۰۵ کوچک‌تر است، وجود ناهمسانی واریانس در این سه مدل پذیرفته می‌شود. در حالت ناهمسانی واریانس از روش OLS نمی‌توان برای تخمین استفاده کرد؛ بنابراین، برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس مدل‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۸ از روش GLS استفاده شده است.

۳- عدم خودهمبستگی خطاها

یکی دیگر از فروض کلاسیک، فرض عدم خودهمبستگی خطاهاست. به عبارتی جزء اخلاص یک مدل رگرسیون نباید تحت‌تأثیر جزء اخلاص مدل دیگر قرار گیرد. برای آزمون خودهمبستگی در داده‌های پنل با اثرات ثابت از آزمون ولدریج در نرم‌افزار STATA استفاده شده است.

نگاره ۸. بررسی عدم خودهمبستگی خطاها در مدل‌های پژوهش

مدل	نوع آماره	مقدار آماره	احتمال
مدل ۱۶	آماره F	۱۴۴/۵۳	۰/۰۰۰
مدل ۱۷	آماره F	۱۸۲/۲۲۲	۰/۰۰۰
مدل ۱۸	آماره F	۴۰۷/۸۸۷	۰/۰۰۰

نگاره ۸ نشان می‌دهد سطح معناداری آزمون ولدریج از ۰/۰۵ کمتر است؛ بنابراین، فرض عدم خودهمبستگی خطاها رد می‌شود. به عبارتی بین اجزا اخلاص خودهمبستگی مرتبه اول وجود دارد. نتایج آزمون‌های تشخیصی در داده‌های ترکیبی داده‌های این پژوهش از نوع ترکیبی‌اند. برای تعیین روش داده‌های تابلویی یا تلفیقی در داده‌های

ترکیبی از آزمون F لیمر و برای تعیین «اثرات تصادفی» و «اثرات ثابت» از آزمون هاسمن استفاده شده است. در مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۵ درصد است، از مدل اثرات ثابت و در مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۵ درصد است، از مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل استفاده می‌شود.

آزمون‌های تشخیصی در داده‌های ترکیبی

نگاره ۹. نتایج آزمون f لیمر و هاسمن

آزمون اف لیمر	سطح معنی‌داری	نتیجه	آزمون هاسمن	سطح معنی‌داری	نتیجه
مدل ۱۶	۸۳/۱۴	۰/۰۰۰۰	۷۷/۵۵	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
مدل ۱۷	۸۴/۹۹	۰/۰۰۰۰	۷/۰۲	۰/۵۳۴	اثرات تصادفی
مدل ۱۸	۸۴/۸۰	۰/۰۰۰۰	۲/۹۳	۰/۹۸۳	اثرات تصادفی

منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی فرض ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی خطاها مشخص شد مدل‌های ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ دارای ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی اند. بعد از مشخص شدن نوع روش برآورد (آزمون F لیمر و آزمون هاسمن)، برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس و همچنین عدم خودهمبستگی مرتبه اول خطاها، تخمین مدل با استفاده از رگرسیون GLS و تکنیک تکراری کوکران اورکات انجام شده است.

نتایج نگاره ۹ نشان می‌دهند مقدار احتمال آزمون F لیمر برای هر سه مدل کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، برای تخمین مدل‌ها باید از روش داده‌های تابلویی استفاده کرد. نتایج آزمون هاسمن نشان می‌دهند سطح معناداری آزمون برای مدل ۲، کمتر از ۰/۰۵ و مدل با اثرات ثابت استفاده شده است و چون سطح معناداری آزمون برای مدل ۳ و ۴ بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، از اثرات تصادفی برای تخمین مدل‌های ۳ و ۴ استفاده شده است. پس از

نگاره ۱۰. رابطه اختلالات ادراکی مدیرعامل و مالکیت نهادی طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸

نتیجه	سطح معناداری	آماره-t	خطای استاندارد	ضرایب	متغیر	
مثبت	۰/۰۰۰	۰/۱۲۲۳	۰/۳۳۴۳	۲/۷۱۵۵	α_0	عرض از مبدأ
بی معنی	۰/۷۰۴	۰/۳۷۹۸	۰/۱۲۱۶	-۰/۰۴۶۲	OC.CEO	فرااعتمادی
منفی	۰/۰۰۰	-۰/۶۵۲۸	۰/۰۹۴۰	-۰/۴۳۷۷	OPTIMISM	خوش بینی
بی معنی	۰/۷۱۲	-۰/۳۶۹۱	۰/۲۲۰۳	-۰/۰۸۱۳	MYOPIA	کوته بینی
بی معنی	۰/۱۶۸	-۱/۳۸۰۲	۰/۳۲۰۸	-۰/۴۴۲۸	SIZE	اندازه شرکت
منفی	۰/۰۰۰	-۵/۰۹۰۰	۰/۷۵۷۳	-۳/۸۵۴۷	FA	نسبت دارایی‌های ثابت
بی معنی	۰/۱۴۲	-۱/۴۶۸۲	۰/۰۱۲۰	-۰/۰۱۷۷	MTB	ارزش بازار به ارزش دفتری
بی معنی	۰/۱۰۸	-۱/۶۰۹۱	۰/۵۹۱۵	-۰/۹۵۱۸	ROA	بازده دارایی‌های
مثبت	۰/۰۳۶	۲/۰۹۷۴	۰/۱۶۳۲	۰/۳۴۲۲	DIV	نسبت تقسیم سود
				۰/۷۴۸	ضریب تعیین	
				۰/۷۰۳	ضریب تعیین تعدیل شده	
				۱۶/۵۹	آماره-F	
				۰/۰۰۰	سطح معناداری	
				۲/۱۴۱	دوربین واتسون	

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج نگاره ۱۰ نشان می‌دهند: با توجه به سطح معناداری متغیر فرااعتمادی مدیرعامل که برابر $P\text{-Value} = 0/704 > 0.05$ است، می‌توان نتیجه گرفت فرااعتمادی مدیرعامل بر میزان مالکیت نهادی تأثیر معناداری ندارد. با توجه به سطح معناداری متغیر کوته بینی مدیرعامل که برابر $P\text{-Value} = 0/712 > 0.05$ است، نشان می‌دهد کوته بینی مدیرعامل بر میزان مالکیت نهادی تأثیر

نتایج نگاره ۱۰ نشان می‌دهند: با توجه به سطح معناداری متغیر فرااعتمادی مدیرعامل که برابر $P\text{-Value} = 0/704 > 0.05$ است، می‌توان نتیجه گرفت فرااعتمادی مدیرعامل بر میزان مالکیت نهادی تأثیر معناداری ندارد. با توجه به سطح معناداری متغیر خوش بینی مدیرعامل که برابر

افزایش یک واحد در میزان خوش‌بینی مدیرعامل احتمال کاهش مالکیت نهادی در شرکت وجود دارد.

فرضیه فرعی ۱-۳: اختلالات رفتاری مدیرعامل (فرااعتمادی، خوش‌بینی و کوتاه‌بینی) بر تمرکز مالکیت تأثیر معناداری دارد.

در بررسی این فرضیه از مدل رگرسیون خطی چندمتغیره به شرح زیر استفاده شده است:

$$CON_{IT} = \beta_0 + \beta_1 OC.CEO_{it} + \beta_2 OPTIMISM_{IT} + \beta_3 MYOPIA_{IT} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 FA_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 DIV_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱۷)}$$

معناداری ندارد. چون سطح معناداری آزمون برای متغیرهای کنترل نسبت دارایی‌های ثابت و نسبت تقسیم سود کمتر از ۰/۰۵ است، این متغیرها بر مالکیت نهادی تأثیر معناداری دارند. ضریب تعیین نشان می‌دهد در این مدل حدوداً ۷۵ درصد تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای توضیحی تبیین می‌شوند. احتمال آماره F بیان می‌کند کل مدل از لحاظ آماری معنی‌دار است. مقدار آماره دوربین واتسون ۲/۱۴۱ تأیید می‌کند مشکل خودهمبستگی در مدل رفع شده است؛ بنابراین، استقلال پسماندهای مدل تأیید می‌شود. با توجه به معناداری یکی از مؤلفه‌های اختلالات ادراکی مدیرعامل (خوش‌بینی) بر مالکیت نهادی می‌توان گفت با

نگاره ۱۱. رابطه اختلالات ادراکی مدیرعامل و تمرکز مالکیت طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸

نتیجه	سطح معناداری	آماره-t	خطای استاندارد	ضرایب	متغیر	
مثبت	۰/۰۰۰	۶/۲۰۷۱	۰/۰۶۱۵۷	۰/۳۸۲۱	α_0	عرض از مبدأ
مثبت	۰/۰۰۷	۱/۹۸۴۲	۰/۰۲۲۲	۰/۰۴۴۳	OC.CEO	فرااعتمادی
منفی	۰/۰۰۱	-۳/۳۰۶۰	۰/۰۰۳	-۰/۰۱۰۳	OPTIMISM	خوش‌بینی
بی‌معنی	۰/۶۹۲	۰/۳۹۵۳	۰/۰۰۶۸	۰/۰۰۲۶	MYOPIA	کوتاه‌بینی
منفی	۰/۰۰۳	-۲/۹۷۴۱	۰/۰۰۴۴	-۰/۰۱۳۳	SIZE	اندازه شرکت
منفی	۰/۰۰۴	-۲/۹۳۱۸	۰/۰۲۴۷	-۰/۰۷۲۵	FA	نسبت دارایی‌های ثابت
بی‌معنی	۰/۷۴۵	-۰/۲۵۴۶	۰/۰۰۰۳	-۷/۲۵E-۰۵	MTB	ارزش بازار به ارزش دفتری
بی‌معنی	۰/۶۹۶	۰/۳۹۰۱	۰/۰۲۲۸	۰/۰۰۸۸	ROA	بازده دارایی‌های
بی‌معنی	۰/۳۷۷	۰/۸۸۲۹	۰/۰۰۷۲	۰/۰۰۶۳	DIV	نسبت تقسیم سود
				۰/۶۳۰	ضریب تعیین	
				۰/۵۹۱	ضریب تعیین تعدیل شده	
				۱۴/۵۹	آماره-F	
				۰/۰۰۰	سطح معناداری	
				۱/۸۶	دوربین واتسون	

منبع: یافته‌های پژوهش

مدیرعامل بر تمرکز مالکیت تأثیر مثبت و معناداری دارد. سطح معناداری متغیر خوش‌بینی که برابر با $P=0.001 < 0.05$ است و ضریب رگرسیونی این متغیر نشان می‌دهند خوش‌بینی مدیرعامل بر

نتایج نگاره ۱۱ نشان می‌دهند:

سطح معناداری متغیر فرااعتمادی مدیرعامل که برابر با $P=0.007 < 0.05$ است و ضریب رگرسیونی این متغیر نشان می‌دهند فرااعتمادی

تأیید می‌شود. با توجه به تأثیر معنادار مؤلفه‌های فرااعتمادی و خوش‌بینی مدیرعامل بر تمرکز مالکیت می‌توان گفت با یک واحد در افزایش میزان فرااعتمادی و خوش‌بینی مدیرعامل، به ترتیب میزان تمرکز مالکیت با احتمال ۹۵ درصد افزایش یا کاهش می‌یابد. کوتاه‌بینی مدیران نیز تأثیری در افزایش یا کاهش تمرکز مالکیت ندارد.

فرضیه اصلی ۲: اختلالات رفتاری مدیرعامل (فرااعتمادی، خوش‌بینی و کوتاه‌بینی) بر مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر معناداری دارد.

در بررسی این فرضیه از مدل رگرسیون خطی چندمتغیره به شرح زیر استفاده شده است:

$$CSR_{it} = \beta_0 + \beta_1 OC.CEO_{it} + \beta_2 OPTIMISM_{IT} + \beta_3 MYOPIA_{IT} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 FA_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 DIV_{it} + \varepsilon_{it} \quad (18)$$

تمرکز مالکیت تأثیر منفی و معناداری دارد. سطح معناداری متغیر کوتاه‌بینی مدیرعامل که برابر با $P = 0.05 > 0.692 = \text{Value}$ است، نشان می‌دهد کوتاه‌بینی مدیرعامل بر تمرکز مالکیت تأثیر معناداری ندارد و فرضیه فرعی سوم پژوهش تأیید می‌شود. چون سطح معناداری آزمون برای متغیرهای کنترلی نسبت دارایی‌های ثابت و اندازه شرکت کمتر از ۰/۰۵ است، این متغیرها بر تمرکز مالکیت تأثیر معناداری دارند.

ضریب تعیین قدرت توضیح‌دهندگی متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد که قادر است در این مدل حدوداً ۶۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد. احتمال آماره F بیان می‌کند کل مدل از لحاظ آماری معنی‌دار است. مقدار آماره دوربین واتسون ۱/۸۶ تأیید می‌کند مشکل خودهمبستگی در مدل رفع شده است؛ بنابراین، استقلال پسماندهای مدل

نگاره ۱۲. رابطه اختلالات ادراکی مدیرعامل و مسئولیت اجتماعی طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸

نتیجه	سطح معناداری	آماره-t	خطای استاندارد	ضرایب	متغیر	
مثبت	۰/۰۰۰	۶۲/۸۰۱۱	۰/۰۰۱۴	۰/۰۸۶۹	α_0	عرض از مبدأ
منفی	۰/۰۱۲	-۳/۵۱۰۹	۰/۰۰۸۸	-۰/۰۳۱۲	OC.CEO	فرااعتمادی
بی معنی	۰/۲۲۳	-۱/۲۱۸۵	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱۲	OPTIMISM	خوش‌بینی
منفی	۰/۰۴۷	-۱/۹۸۱۷	۰/۰۰۵	-۰/۰۰۱۳	MYOPIA	کوتاه‌بینی
منفی	۰/۰۰۳۶	-۲/۹۲۳۹	۰/۰۰۵	-۰/۰۰۱۸	SIZE	اندازه شرکت
بی معنی	۰/۸۰۷	۰/۲۴۳۹	۰/۰۰۱۷	۰/۰۰۰۴	FA	نسبت دارایی‌های ثابت
منفی	۰/۲۱۸	۱/۲۳۲۳	۱/۶۰E-۰۵	۱/۹۷E-۰۵	MTB	ارزش بازار به ارزش دفتری
بی معنی	۰/۰۰۸	۲/۶۵۶۹	۰/۰۰۱۸	۰/۰۰۴۸	ROA	بازده دارایی‌های
مثبت	۰/۹۷۲	۰/۰۳۴۵	۰/۰۰۰۵	۱/۸۶E-۰۵	DIV	نسبت تقسیم سود
					ضریب تعیین	
					۰/۷۲	
					ضریب تعیین تعدیل شده	
					۰/۶۸	
					آماره-F	
					۱۴/۶۸	
					سطح معناداری	
					۰/۰۰۰	
					دوربین واتسون	
					۱/۶۹	

منبع: یافته‌های پژوهش

نگاره ۱۲ نشان می‌دهد:

سطح معناداری متغیر فرااعتمادی مدیرعامل که برابر با $P\text{-Value} = 0/012 < 0.05$ است و ضریب رگرسیونی این متغیر نشان می‌دهند فرااعتمادی مدیرعامل بر مسئولیت اجتماعی تأثیر منفی و معناداری دارد. سطح معناداری متغیر خوش‌بینی که برابر $P\text{-Value} = 0/223 > 0.05$ است، نشان می‌دهد خوش‌بینی مدیرعامل بر مسئولیت اجتماعی تأثیر معناداری ندارد. سطح معناداری متغیر کوتاه‌بینی مدیرعامل که برابر $P\text{-Value} = 0/047 < 0.05$ است و ضریب رگرسیونی این متغیر نشان می‌دهند کوتاه‌بینی مدیرعامل بر مسئولیت اجتماعی تأثیر منفی و معناداری دارد. چون سطح معناداری آزمون برای متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و بازده دارایی‌ها کمتر از ۰/۰۵ است، این متغیرها بر مسئولیت اجتماعی تأثیر معناداری دارند.

ضریب تعیین نشان می‌دهد در این مدل حدوداً ۷۲ درصد تغییرات متغیر وابسته را متغیرهای توضیحی تبیین می‌کنند. احتمال آماره F بیان می‌کند کل مدل از لحاظ آماری معنی‌دار است. مقدار آماره دوربین واتسون ۱/۶۹ تأیید می‌کند مشکل خودهمبستگی در مدل رفع شده است؛ بنابراین، استقلال پسماندهای مدل تأیید می‌شود. با توجه به معناداری دو مؤلفه از اختلالات ادراکی مدیرعامل (فرااعتمادی و کوتاه‌بینی) بر مسئولیت اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت با یک واحد افزایش در میزان فرااعتمادی و کوتاه‌بینی مدیران، احتمال کاهش ۹۵ درصد میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت وجود دارد.

نتیجه‌گیری

اختلالات و سوگیری‌های رفتاری مدیریت یکی از مشکلات تصمیم‌گیری شرکت‌ها محسوب

می‌شوند که شکاف عمیق‌تری از تضاد منافع بین سهامداران و مدیران را به وجود می‌آورند و باعث می‌شوند حیطه‌های عملکردی شرکت‌ها در بازار سرمایه با مشکلات فراوانی بین سهامداران و ذینفعان مواجه شود. در بسیاری مواقع این اختلالات بر ابعاد محتوایی، استراتژی و نظارتی شرکت‌ها تأثیرگذارند؛ از جمله این ابعاد میزان مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت، کیفیت حسابرسی مستقل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت است. هدف این پژوهش، تبیین رابطه تأثیرپذیری مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت از اختلالات ادراکی، رفتاری و اخلاقی مدیرعامل است. این پژوهش در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ و تعداد ۱۱۰ شرکت بررسی شدند.

نتایج پژوهش در فرضیه فرعی اول نشان می‌دهند فرااعتمادی به‌عنوان یکی از عوامل اختلالات رفتاری مدیرعامل بر کیفیت حسابرسی مستقل تأثیر منفی و معناداری دارد. گفتنی است با توجه به اینکه مدیران با فرااعتمادی بالا دوره مورد انتظار پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت را بیش از واقعیت تخمین می‌زنند و احتمال و تأثیر رویدادهای منفی را کمتر از واقعیت ارزیابی می‌کنند، ممکن است سبب افزایش ریسک گزارشگری مالی برای حساب‌برسان شوند. اسپراند و زچمن [۶۰] در پژوهش خود مطرح کردند یک تعصب دارای فرااعتمادی اولیه در سود، هرچند عمدی نباشد، به ارائه نادرست سود دوره آتی توسط مدیران فرااعتماد می‌تواند منجر شود که این امر موجب ایجاد تأثیر در صورت‌های مالی و گزارشگری غیرواقعی و به دنبال آن تأثیر در کیفیت حسابرسی می‌شود. همچنین طبق تحقیق اسپراند و

بر اثر تعصبات، بیش از حد خوش‌بین هستند و به دلیل مغرضانه بودن، اطلاعات مالی را شفاف‌سازی نمی‌کنند که ممکن است نتایج معکوسی بر کیفیت گزارشگری مالی و به دنبال آن کیفیت حسابرسی مستقل داشته باشد. هدایتی و حاجیها (۱۳۹۶) و بذرافشان و همکاران (۱۳۹۷) نیز ارتباط معناداری بین خوش‌بینی مدیران بر ریسک گزارشگری مالی به دست آورده‌اند. نتایج به دست آمده با تحقیقات لین و همکاران (۲۰۰۵)، هیتون (۲۰۰۹)، جی و همکاران (۲۰۱۱)، بذرافشان و همکاران (۱۳۹۷)، دیویدسون و همکاران (۲۰۱۳) و جود، اولسن و استکلبرگ (۲۰۱۵) در یک راستا هستند.

نتایج پژوهش در فرضیه فرعی دوم نشان می‌دهند یکی از مؤلفه‌های اختلالات رفتاری مدیرعامل (خوش‌بینی) بر مالکیت نهادی تأثیر منفی و معناداری دارد؛ بنابراین می‌توان گفت با افزایش یک واحد در میزان خوش‌بینی مدیرعامل احتمال کاهش مالکیت نهادی در شرکت وجود دارد. براساس پژوهش هیربار و یانگ [۴۶] مدیران خوش‌بین، احتمالاً سود بسیار خوش‌بینانه‌ای پیش‌بینی می‌کنند و سودهایی دارند که بدون پیش‌بینی آینده است. مدیران خوش‌بین، بیش از مدیران منطقی، به هموارسازی سود توجه می‌کنند. به عبارت دیگر، صورت‌های مالی شرکت‌هایی که مدیران خوش‌بین اداره می‌کنند، سودهای هموار بیشتری را نشان می‌دهد؛ در نتیجه، سرمایه‌گذاران نهادی تمایلی به سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها نخواهند داشت. بزرگ اصل و همکاران [۶] بیان کردند با افزایش مالکیت نهادی، به دلیل نظارت فعال آنها، مدیر شرکت برای بهبود عملکرد شرکت تصمیم می‌گیرد و از تصمیم‌هایی اجتناب می‌کند که

زچمن [۶۰] به دلیل چشم‌انداز خوش‌بینانه مدیران بیش‌اعتماد نسبت به سود دوره‌های آتی، احتمال پیش‌بینی اشتباه آنها بیشتر خواهد بود. در زمینه شناخت و ارزیابی حسابرسان از ویژگی‌های شخصیتی مدیران نیز جانسون و همکارانش [۴۹] دریافتند بین فرااعتمادی مدیرعامل و افزایش ریسک حسابرسی، ارتباط مثبتی برقرار است که به کاهش کیفیت حسابرسی مستقل منجر می‌شود که با نتایج این فرضیه سازگار است.

دشماغ و همکاران [۴۲] استدلال کردند مدیران خوش‌بین به دلیل حس خوش‌بینی نسبت به تحقق رویدادهای آتی بر سیاست‌ها و تصمیمات شرکت تأثیر می‌گذارند. همچنین براساس پژوهش لهن [۵۴] که مطرح کرد افزایش کوتاه‌بینی مدیریت (براساس تئوری نمایندگی) باعث ایجاد تأثیر در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری مدیران و در نهایت به کاهش ارزش شرکت منجر خواهد شد، می‌توان استدلال کرد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌عنوان سازوکاری از نظام راهبری شرکتی و همچنین مراجع قانونی ذیصلاح که همواره با وضع قوانین و مقررات، به دنبال افزایش کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از شیوه‌هایی همچون، الزام مدیران شرکت‌ها به تأیید آنچه گزارش می‌کنند، موجب کنترل و خنثی کردن اثرات خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیریتی بر عملکرد شرکت و به دنبال آن افزایش کیفیت گزارشگری مالی از سوی مدیران می‌شوند؛ بنابراین، اثرات سوء خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیریتی در گزارشگری مالی توسط این فرایندها خنثی شده است و تأثیری بر کیفیت حسابرسی - مرحله اطمینان‌بخشی در فرایند گزارشگری مالی - نخواهد داشت. مدیران

نتایج پژوهش در فرضیه فرعی سوم نشان دادند فرآیند اعتمادی مدیرعامل بر تمرکز مالکیت، تأثیر مثبت و معنادار و خوش‌بینی مدیرعامل بر تمرکز مالکیت تأثیر منفی و معنادار دارد و کوتاه‌بینی مدیرعامل بر تمرکز مالکیت تأثیر معناداری ندارد. مدیران فرآیند اعتماد بازده سرمایه‌گذاری‌ها را بیش از اندازه و احتمال و دامنه تغییرات شوک‌های منفی را کمتر از اندازه برآورد می‌کنند. همچنین آنها به اجتناب از حذف هزینه‌های اضافی توزیع و فروش تمایل دارند. برخلاف مسائل نمایندگی که هزینه‌های اضافی به دلایل فرصت‌طلبانه نگه داشته می‌شوند، مدیران بیش‌اعتماد اعتقاد دارند به بهترین شکل در راستای منافع سهامداران عمل می‌کنند که این امر موجب جذابیت سهام شرکت و جلب نظر سهامداران برای خرید عمده سهام شرکت و افزایش تمرکز مالکیت می‌شود. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش رضایی و مرادی (۱۳۹۸) مطابقت ندارد. آنها بیان کردند در کشور ما منابع تأمین مالی بیشتر شرکت‌ها از طریق شرکت‌های دولتی صورت می‌گیرد و تحت سیاست‌های دولتی عمل می‌کنند؛ به همین دلیل، اعمال حاکمیت شرکتی و تمرکز مالکیت نتوانسته است آنچنان بر وضعیت تصمیم‌گیری مدیران فرااطمینان تأثیرگذار باشد.

همچنین در خصوص رابطه خوش‌بینی مدیریت و تمرکز مالکیت می‌توان تصور کرد تمرکز مالکیت به کنترلی قوی در برابر تصمیم مدیران خوش‌بین منجر شود. تمرکز مالکیت می‌تواند خوش‌بینی بالای مدیریت را با توجه به کمک به استقرار سیستم‌های کنترلی قدرتمند کاهش دهد. این فرضیه‌ها با یافته‌های پژوهش خرمی و جمکرانی [۱۴] و امیری و همکاران [۲] سازگار است که در آن،

عملکرد شرکت را به خطر می‌اندازند. این فرضیات با نتایج پژوهش تینگ و همکاران [۶۳] ناهمسو است.

همچنین نتایج پژوهش در این فرضیه بیان می‌کنند بین شرکت‌هایی با مدیران دارای فرآیند اعتمادی و کوتاه‌بینی بالا و میزان مالکیت نهادی رابطه معناداری وجود ندارد. گفتنی است مدیران دارای فرآیند اعتمادی بالا دوره مورد انتظار پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت را بیش از واقعیت و احتمال و تأثیر رویدادهای منفی را کمتر از واقعیت ارزیابی می‌کنند که موجب افزایش واهی سود شرکت می‌شود؛ بنابراین، می‌توان انتظار داشت مالکیت نهادی به‌عنوان یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، فرصت‌های دستکاری سود را کاهش و در نتیجه، کیفیت سود و اطلاعات ارائه‌شده را افزایش دهد. همچنین می‌توان نتیجه گرفت شاید تصمیمات کوتاه‌بینانه مدیریت در کوتاه‌مدت تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت داشته باشد؛ اما در بلندمدت تأثیرات منفی بر ساختار مالی و عملکرد شرکت خواهد داشت. نمونه این امر را می‌توان در صرفه‌جویی مدیران در هزینه‌های تحقیق و توسعه جستجو کرد. این صرفه‌جویی در هزینه‌ها اگرچه در کوتاه‌مدت بر عملکرد شرکت تأثیر مثبتی خواهد داشت، در بلندمدت به‌علت از دست رفتن فرصت‌های سودآور شرکت باعث کاهش چشمگیر عملکرد شرکت خواهد شد. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش چن، لین و یانگ [۳۹] و چن و یانگ (۲۰۱۴) سازگار نیست که نشان دادند مدیران هزینه‌های بازاریابی و توزیع و فروش را برای رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت سودآوری کم می‌کنند و سهامداران نهادی کوتاه‌مدت نزدیک‌بینی مدیریتی را تشدید خواهند کرد.

فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی درگیر خواهند شد که منجر به کاهش مخاطرات بالقوه و پوشش ریسک می‌شود. به عبارت دیگر، مدیران دارای فرااعتمادی بالا اثرات مصون‌سازی به‌وجودآمده از فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نادیده می‌گیرند و توجه کمی به ارتقا و بهبود ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت می‌کنند که در واقع سپری در مقابل ریسک‌های معین است. نتیجه این فرضیه با پژوهش مک‌کارتی و همکاران [۵۷] مطابقت دارد. نتایج این فرضیه با پژوهش حاجی هاشمی ورنوسفادرانی و عبدلی [۱۳] در تضاد است. آنها بیان می‌کنند بین بیش‌اطمینانی مدیران و میزان افشای اطلاعات به‌صورت داوطلبانه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج این فرضیه با پژوهش صلحی [۶۱] ناهمسو است.

باتوجه به نبود رابطه معنادار بین خوش‌بینی مدیریت و مسئولیت اجتماعی شرکت می‌توان استدلال کرد مدیران خوش‌بین، احتمالاً سود بسیار خوش‌بینانه‌ای پیش‌بینی می‌کنند و سودهایی دارند که بدون پیش‌بینی آینده است. مدیران خوش‌بین، پیش از مدیران منطقی، به هموارسازی سود توجه می‌کنند. به عبارت دیگر، صورت‌های مالی شرکت‌هایی که مدیران خوش‌بین اداره می‌کنند، سودهای هموار بیشتری را نشان می‌دهد؛ بنابراین، مدیران این شرکت‌ها تمایلی به سمت سرمایه‌گذاری در مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌عنوان تعهد سازمان نسبت به قالب جامعه ندارند. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش دلیری و همکاران (۱۳۹۹) ناهمسو است. آنها مطرح کردند رابطه بین خوش‌بینی مدیریت با پایداری، تأثیر، تعهد و منافع

سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و خوش‌بینی مدیریت بررسی شده‌اند و نشان دادند میان سازوکارهای انتخاب‌شده از نظام راهبری شرکتی تمرکز مالکیت توانسته است میزان خوش‌بینی مدیران را کاهش دهد.

نتایج پژوهش در این فرضیه بیان می‌کنند بین شرکت‌هایی با مدیران دارای کوتاه‌بینی بالا و تمرکز مالکیت رابطه معناداری وجود ندارد. براساس این، می‌توان تصور کرد فعالیت‌های کوتاه‌بینانه دارای پیامدهای موقت و مطلوبی است و نتایج منفی آن در بلندمدت نمایان می‌شود؛ زیرا بازارهای سرمایه توان درک صحیح پیامدهای کوتاه‌بینی در زمان وقوع را ندارند. بنابراین، سهامداران عکس‌العملی برای خرید یا فروش سهام شرکت و افزایش یا کاهش تمرکز مالکیت شرکت نشان نمی‌دهند. نتیجه این فرضیه با پژوهش عبدالهی و مشایخ [۲۱] ناهمسو است. آنها مطرح کردند هرچه تمرکز مالکیت بیشتر باشد، کنترل بیشتری بر مدیران اعمال می‌شود و عملکرد شرکت بهبود می‌یابد.

نتایج پژوهش در فرضیه اصلی دوم بیان می‌کنند بین شرکت‌هایی با مدیران دارای فرااعتمادی و بهبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت رابطه منفی معناداری وجود دارد. در واقع مدیران فرااعتماد، آینده و خطرات احتمالی و پیش روی شرکت را کمتر از واقع ارزیابی می‌کنند؛ بنابراین، این دسته از مدیران در مقایسه با مدیران محافظه‌کار اقدامات مصون‌سازی و پوشش ریسک کمتری را قبول می‌کنند. با توجه به اینکه فرااعتمادی بالا می‌تواند موجب افزایش ریسک‌پذیری شود، مدیران محافظه‌کار نسبت به مدیران دارای فرااعتمادی بالا، چون ریسک‌پذیری کمتری دارند، بیشتر در

ریسک حسابرسی، ارتباط مثبتی برقرار است که به کاهش کیفیت حسابرسی مستقل منجر می‌شود. این نکته باید از طریق تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های کنترل‌کننده سوء رفتار مدیران شرکت‌ها مدنظر مسئولان سازمان حسابرسی و بورس اوراق بهادار قرار گیرد.

ب) به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود راهکاری برای رصد سوء رفتار مدیران شرکت‌ها برای رسیدن به توان پاسخگویی اجتماعی در مقابل ذینفعان و سایر افراد جامعه بیابد که به دغدغه‌های جامعه در خصوص محیط زیست و امور اجتماعی و بشردوستانه اهمیت دهد، متناسب با فرهنگ سازمانی خود، به تدوین سیاست‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی مبادرت ورزد، بالا بردن کیفیت زندگی مردم و دخالت و سهیم بودن در رفاه عمومی را در اولویت قرار دهد؛ این امر موجب ارتقا و بهبود سطح ایفای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت می‌شود که در واقع سپری در مقابل ریسک‌های خاص است. همچنین توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و انجام فعالیت‌های جاری با نگرش مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند به بالا بردن سطح کیفیت استانداردهای تجاری و به دنبال آن کیفیت اطلاعات و گزارشگری صورت‌های مالی با نگرش ذینفعان کمک کند که ضرورت دارد به‌طور جدی حمایت شود.

ج) با توجه به تحولات اخیر در حرفه حسابرسی در ایران، تشکیل مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، گسترش بازارهای مالی و نیز افزایش نیاز روزافزون به اطلاعات مالی معتبر برای رونق بازار سرمایه‌گذاری

اجتماعی منفی و معنادار است؛ همچنین با نتایج جابری و حیدری (۱۳۹۶) ناهمسو است که دریافتند خوش‌بینی مدیران در افشای بعد اقتصادی، اجتماعی و محیطی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مثبت و معنادار است.

نتایج پژوهش در این فرضیه نشان می‌دهند بین شرکت‌هایی با مدیران دارای کوتاه‌بینی بالا و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. کوتاه‌بینی مدیریت از تمرکز بیش از اندازه روی نتایج کوتاه‌مدت ناشی می‌شود و مدیران سعی می‌کنند با استفاده از اقلام تعهدی، سود گزارش‌شده را کمتر از واقع نشان دهند و با توجه به اینکه مدیران هنگام تصمیم‌گیری، توجهی به فعالیت‌های اجتماعی شرکت ندارند و تصمیم‌هایشان را بر مبنای افشای اطلاعات شرکت‌ها درباره فعالیت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی، در اطلاعات مالی مرسوم (گزارش‌های سالانه) تغییر نمی‌دهند، مستقیماً نسبت به هدف‌ها و مسائل اجتماعی شرکت فعالیت‌های ندارند. نتایج این بخش با یافته‌های پژوهش‌های لین، لئو و چنگ (۲۰۱۷)، مک کارتی و همکاران [۵۷]، تانگ و ژانگ (۲۰۱۵)، هسو و همکاران (۲۰۱۷)، لیمپج و همکاران (۲۰۱۷) و لطفی و قادرزاده (۱۳۹۹) همسو و با نتایج گراویس و همکارانش (۲۰۱۱) ناهمسو است.

براساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شوند:

الف) براساس یافته‌های پژوهش بین مدیران دارای فراعتمادی بالا در شرکت‌ها و کیفیت حسابرسی مستقل رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ یعنی بین فراعتمادی مدیریت و افزایش

شرکتی بر رابطه بین ویژگی‌های رفتاری مدیران و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی. *دانش حسابرسی*، سال بیستم، شماره ۷۸، صص ۴۰-۷۵.

۳. انوشیروانی، فرزانه و رحمان ساعدی. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین قدرت مدیرعامل و ارزش شرکت با نقش تعاملی رقابت بازار و حاکمیت شرکتی. *پژوهشنامه مدیریت اجرایی*، سال دهم، شماره ۲۰، صص ۱۴۷-۱۷۳.

۴. برندک، سجاد، جمشیدی، ندا، محمدپناه، لیلا و مهوش امینی. (۱۳۹۸). تأثیر فاکتورهای مالی بر کوتاه‌بینی مدیران در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، سال دوم، شماره ۱۷، صص ۶۳-۷۸.

۵. بادآورندهی، یونس، زینالی، مهدی و الهه نیکویان. (۱۳۹۵). تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کارایی اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱-۱۶.

۶. بزرگ اصل، موسی، باباجانی، جعفر و علی کوه‌کن. (۱۳۹۸). تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیران و اهرم مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، سال بیست و ششم، شماره ۴، صص ۴۸۲-۴۹۸.

۷. تهرانی، رضا و افسانه دلشاد. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر کوتاه‌بینی مدیران بر عملکرد مالی آتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار

در بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود با استفاده از تحقیقات انجام‌شده در کشورهای دیگر و انجام تحقیقات بنیادی، عناصر مؤثر بر کیفیت حسابرسی، چه از نظر کیفیت واقعی حسابرسی (کشف و گزارش تحریفات گزارش‌های مالی) و چه از نظر نگرش نسبت به کیفیت حسابرسی (اعتماد استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی) شناسایی شوند.

د) در ایران مدیران شرکت‌های بزرگ کشور، بر لزوم بهبود و پذیرش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌خصوص شرکت‌های سهامی عام تأکید دارند و اقداماتی از سوی دولت و بخش خصوصی آغاز شده‌اند؛ اما متأسفانه تاکنون هیچ مدل و استناداردی برای این مقوله در ایران وجود ندارد؛ از این رو، ضروری است نهادهای حرفه‌ای و دانشگاهی حوزه‌های مالی مطالعات و تحقیقات لازم را برای تبیین موضوع و بسترسازی لازم برای نهادهای قانون‌گذار به‌منظور تدوین استانداردهایی در راستای افشا، گزارش‌گری و حسابرسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها فراهم کنند.

فهرست منابع

۱. اعتمادی، حسین، باباجانی، جعفر، آذر، عادل و زهرا دیانتی دیلمی. (۱۳۸۸). تأثیر فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۹۱-۵۹.
۲. امیری، سید خسرو، رضایی، فرزین و عبدالصمد خلعتبری لیمایی. (۱۳۹۹). تأثیر حاکمیت

- تهران. *حسابداری، پاسخگویی و منافع جامعه*، سال هشتم، شماره ۲، صص ۲۳-۴۶.
۸. تائبی نقندری، امیرحسین، تائبی نقندری، علی و مهری عباس‌زاده. (۱۳۹۶). تأثیر تعدیل‌گری اندازه شرکت بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد اقتصادی شرکت‌ها. *دانش حسابداری*، سال هشتم، شماره ۱، صص ۱۵۵-۱۸۲.
۹. ثریا، امید، تنگسیری، محمدرضا، صادقی سرارودی، رجبعلی و سید جمال هاشمی. (۱۳۹۸). تأثیر قدرت کمیته حسابرسی بر رابطه بین فراعتمادی مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی، *سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، مهندسی صنایع، اقتصاد و حسابداری*.
۱۰. جلیلی، صابر و فرزاد قیصری. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین کیفیت سود و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابرسی*، سال چهاردهم، شماره ۵۷، صص ۱۷۰-۱۴۷.
۱۱. حاجی‌ها، زهره و بهمن سرفراز. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۰۵-۱۲۳.
۱۲. حمیدیان، محسن، جنت‌مکان، حسین و فرهان بن‌گریز. (۱۳۹۷). تأثیر نوع نگرش مدیران بر انتخاب سیاست‌های تأمین مالی و پیامدهای آن بر عدم تقارن اطلاعاتی و ارزش شرکت. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۶۳-۱۸۰.
۱۳. حاجی هاشمی ورنوسفادارانی، منصوره و محمدرضا عبدلی. (۱۳۹۹). تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بر میزان افشای اطلاعات به‌صورت داوطلبانه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش سرمایه‌گذاری*، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۲۰۷-۲۲۱.
۱۴. خرمی، داریوش و رضا غلامی جمکرانی. (۱۳۹۵). سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و خوش‌بینی مدیریتی. *دانش حسابداری*، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۱۵۹-۱۸۲.
۱۵. دیدار، حمزه، منصورفر، غلامرضا و مهدی کفعمی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، سال بیست‌ویکم، شماره ۴، صص ۴۰۹-۴۳۰.
۱۶. زاد پرور، فاطمه. (۱۳۹۶). تقلب و سوء رفتارهای مدیران در گزارشگری مالی: مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده از دیدگاه مالی. *ماهنامه آفاق علوم انسانی*، سال اول، شماره ۱۰، صص ۴۴-۳۱.
۱۷. سپاسی، سحر و مهدی اسدی وصفی. (۱۳۹۵). بیش‌اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی با تأکید بر نقش کمیته حسابرسی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۲۹-۱۳۸.
۱۸. شاه‌علی، مرجان و محمدرضا عبدلی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیرپذیری چسبندگی چشم‌انداز درآمد آتی از اختلالات ادراکی

- مدیرعامل. پژوهش‌های حسابداری مالی، سال یازدهم، شماره ۳، صص ۷۱-۹۶.
۱۹. طبائنی‌زاده فشارکی، حمید، محمد پورزند، محمد ابراهیم و مهرزاد مینوئی. (۱۳۹۷). تأثیر حاکمیت شرکتی بر سلامت مالی بانک‌های تجاری ایران. *حسابداری مدیریت*، سال یازدهم، شماره ۳۸، صص ۱۰۹-۱۲۶.
۲۰. عرب صالحی، مهدی، امیری، هادی و سپیده کاظمی نوری. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد بر حساسیت سرمایه‌گذاری جریان‌های نقدی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال ششم، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۲۸.
۲۱. عبدالهی، مهین و شهناز مشایخ. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت، عملکرد شرکت و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال سوم، شماره ۴، صص ۷۱-۸۶.
۲۲. علی‌نژاد ساروکلائی، مهدی و علی صبحی. (۱۳۹۳). تأثیر بیش اعتمادی مدیران بر خطای مدیریت در پیش‌بینی سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران، *کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی*، تهران: شرکت دانش‌محور ارتاخه.
۲۳. فروغی، داریوش و زهرا نخبه فلاح. (۱۳۹۳). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال ششم، شماره ۱، صص ۲۷-۴۴.
۲۴. مهربان‌پور، محمدرضا، جندقی قمی، محمد و علی زارعی اهور. (۱۳۹۶). رابطه راهبری شرکتی و مخارج تحقیق و توسعه شرکت‌های دارویی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری سلامت*، سال ششم، شماره ۲، صص ۱۰۶-۱۲۳.
۲۵. موسوی شیری، سید محمود، قدردان، احسان و روژین صالحی آزاد. (۱۳۹۹). مقاله پژوهشی: شواهد تجربی از نقش خوش‌بینی مدیریت بر بازده سهام. *راهبرد مدیریت مالی*، سال هشتم، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۶۲.
۲۶. مجتهدزاده، ویدا و زهرا بابائی. (۱۳۹۱). تأثیر کیفیت حسابرسی مستقل بر مدیریت سود و هزینه سرمایه سهام. *دانش حسابداری مالی*، سال دوم، شماره ۶، صص ۹-۲۸.
۲۷. محمدی، امید، گیوکی، ابراهیم، کبیری محمدتقی و آذر مسلمی. (۱۳۹۹). تبیین رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و کیفیت حسابرسی مستقل. *دانش حسابرسی*، سال بیستم، شماره ۸۱، صص ۱۴۹-۱۲۴.
۲۸. نقیبی اصفهانی، سید حامد و محمدرضا عبدلی. (۱۳۹۶). تأثیر کوتاه‌بینی مدیران بر عملکرد سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه. *مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، سال هشتم، شماره ۳۳، صص ۲۴۷-۲۶۴.
۲۹. یحیی‌زاده فر، محمود، شمس، شهاب‌الدین و مریم نادری. (۱۳۹۶). بررسی رابطه خوش‌بینی مدیریتی و هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله مدیریت دارایی و تأمین مالی*، سال پنجم، شماره ۳، صص ۷۷-۸۸.

42. Deshmukh, S., Goel, A., & Howe, K. (2013). CEO overconfidence and dividend Policy. *Journal of Finance Intermediation*, 22(3), 440-463.
43. Fieseler, C. (2011). On the Corporate Social Responsibility Perceptions of Equity Analysts. *Business Ethics: A European Review*, 20(2), 131-147.
44. Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *Journal of Law and Economics*, 26(2), 301-325.
45. Fung, H. G., Qiao, P., Yau, J., & Zeng, Y. (2020). Leader narcissism and outward foreign direct investment: Evidence from Chinese firms. *International Business Review*, 29(1), 101-632.
46. Hribar, P., & Yang, H. (2016). CEO Overconfidence and Management Forecasting. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 204-227.
47. Harford, J., Mansi, S.A., & Maxwell, W.F. (2008). Corporate Governance and Cash Holdings. *Journal of Financial Economics*, 87(3), 535-55.
48. Hoang, M. L., Tan, F. J., Lai, D. C., Celniker, S. E., Hoskins, R. A., Dunha M. J., Zheng, Y., & Koshland, D. (2010). The relationship between the cost of representation, optimism over management and cash flow sensitivity. Published: December 2,
49. Johnson, E., Kuhn, J.R., Apostolu, B., & Hassell, J.M. (2013). Auditor perceptions of client narcissism as a fraud attitude risk factor. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 32(1), 203-219.
50. Jensen, M.C. (1986). Agency Costs of the Free Cash Flow, Corporate Finance and Takeovers. *American Economic Review*, 76(7), 323-9.
51. Kern, D.A. (2006). A matter of strategic mis-fit: Management myopia and value destruction. Doctoral dissertation. *Oklahoma State University*.
52. Li, M., Lu, Y., & Phillips G. (2017). When are powerful CEOs beneficial?. *Working paper Tuck School of Business at Dartmouth College*.
53. Laverly, K.J. (1996). Economic Short-Termism. The Debate, the Unresolved Issues, and the Implications for Management Practice and Research
30. Al-Shammari, M., Rasheed, A., & Al-Shammari, H. (2019). CEO narcissism and corporate social responsibility: Does CEO narcissism affect CSR focus? *Journal of Business Research*, 104, 106-17.
31. Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51(1), 1-30.
32. Anderson, T. W., & Hsiao, C. (1982). Formulation and Estimation of Dynamic Models Using Panel Data. *Journal of Econometrics*, 18(1), 47-82.
33. Bouwman, C. H. S. (2009). Managerial optimism and the market's reaction to dividend changes. *Retrieved from mit.edu*.
34. Barros, L., & Silveira, A. D. (2008). Overconfidence, managerial optimism, and the determinants of capital structure. *Brazilian Review of Finance*, 6(3), 30
35. Boyer, B., Mitton, T., & Vorkink, K. (2010). Expected idiosyncratic skewness. *Review of Financial Studies*, 23, 193-201.
36. Ben Mohamed, E., & Shehata, M. A. (2017). R&D investment-cash flow sensitivity under managerial optimism. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, 14, 1-4.
37. Buyl, T., Boone, C., & Wade, J. B. (2019). CEO narcissism, risk-taking, and resilience: An empirical analysis in US commercial banks. *Journal of Management*, 45, 1372-400.
38. Chronopoulos, P. I., & Siougle, G. (2019). Management Forecasts and the Persistence of Earnings and Earnings Components, Available at SSRN 3344274.
39. Chen, Y., Lin, F.L., & Yang, S.Y. (2015). Does institutional short-termism matter with managerial myopia?. *Journal of Business Research*, 68(1), 845-850.
40. Chen, J., Sau Leung, W., Song, W., & Goergen, M. (2019). Why female board representation matters: The role of female directors in reducing male CEO overconfidence. *Journal of Empirical Finance*, 53, 70-90.
41. Duellman, S., Hurwitz, H., & Sun, Y. (2015). Managerial Overconfidence and Audit Fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11(2), 148-165.

59. Statman, M., Thorley, S., & Vorkink, K. (2005). Investor Overconfidence and Trading Volume. *The Review of Financial Studies*, 19(4), 1531-1565.
60. Schrand, C. M., & Zechman, S. L. (2012). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53(2), 311-329.
61. Salhi, B. (2021). The Relationship between CEO Psychological Biases, Corporate Governance and Corporate Social Responsibility, *Journal of Risk and Financial Management*, 14(7), 317.
62. Stulz, R. (1990). Managerial Discretion and Optimal Financing Policies. *Journal of Financial Economics*, 26(1), 3-27.
63. Ting, I., Lean, H., Kweh, Q., & Azizan, N. (2016). Managerial overconfidence, government intervention and corporate financing decision. *International Journal of Managerial Finance*, 12(1), 4-24.
- Academy of Management Review*, 21(3), 825-860.
54. Lehman, D.R. (2004). Matrice for making marketing matter. *Journal of Marketing*, 64(4), 73-75.
55. Lang, M., & Lundholm, R. (1993). Cross-sectional Determinants of Analysts, Ratings of Corporate Disclosures, *J. Acc. Res.* 31(2), 246-271.
56. Mizik, N. (2010). The Theory and Practice of Myopic Management. *Journal of Marketing Research*, 47(4), 594-611.
57. McCarthy, S., Oliver, B., & Song, S. (2014). CEO Overconfidence and Corporate Social Responsibility, working paper: *UQ business school*.
58. Reichelt, K. J., & Wang, D. (2009). National and Office-Specific Measures of Auditor Industry Expertise and Effects on Audit Quality, *Journal of Accounting Research*, 48(3), 647-686.

